



فصل نامه تخصصی کتابخانه بزرگ
حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی &
سال بیست و ششم | شماره ۱۰۱-۱۰۲ | پاییز و زمستان ۱۳۹۹

تاریخ تحولات اجتماعی ایران در عصر جدید (۲)

تصحیح: سید محمود مرعشی نجفی

چکیده

قانون های اعزام محصل به اروپا مصوب مجلس شورای ملی در سالهای ۱۲۹۰، ۱۳۰۷ و ۱۳۰۸ شمسی، بخشی از تاریخچه دانشسرای عالی و تأسیس آن در سال ۱۲۹۷ شمسی، مشاوران خارجی آموزش، ارتش، مالیه، فرهنگ، چاپ و نشر، روابط بین المللی، علوم حوزوی، علل عقب ماندگی ایران، بخشی از عناوین این مقاله اند.

کلیدواژه ها

تحولات اجتماعی ایران؛ تاریخ ایران - آغاز قرن چهاردهم شمسی؛ آموزش - مقررات.



اعزام محصل به اروپا

بطوریکه قبلاً نیز شرح داده شد، فرهنگ ایران از مدتها پیش به فرهنگ اروپا نزدیک شد و از زمان صفویه بعد ارتباط با دول اروپایی، ایران را بفرهنگ اروپا آشنا نموده است و بعدها به واسطه جلب معلمین و مستشاران خارجی و اعزام محصل به اروپا، برای فراگرفتن علوم جدید، فرهنگ تازه اروپا در ایران ترویج گردید و در این راه شاه عباس کبیر و نادرشاه و مرحوم امیرکبیر و حاجی میرزا حسین خان سپهسالار و میرزا تقی خان امین الدوله بیش از همه ساعی بوده اند، اما در دوره مشروطیت بخصوص از سالهای ۱۲۹۰ هجری شمسی بعد، عده کثیری از دانشجویان ایران، با خرج ملت برای آموختن علوم و فنون و تعلیم و تربیت به اروپا اعزام گردیده اند، که اینک چگونگی آن بیان می شود.

نخستین بار در سال ۱۲۲۵ قمری یک نفر را برای تحصیل طب به انگلستان فرستادند و در سال ۱۲۳۱ قمری پنج نفر دیگر را برای فراگرفتن علوم مختلف به انگلستان روانه کردند و از این بیعد عده ای از اعیان کشور، فرزندان خود را برای تحصیلات جدید با خرج خود به اروپا اعزام داشتند و همچنین سفرا و نمایندگان ایران در خارج، اطفال خود را در مدارس اروپا به تعلیم و تربیت واداشتند، اما باید دانست از مساعی آنها نتیجه خوبی عاید نگردید و این عده برای تغییر طرز تدریس و تعلیم و تربیت و ترویج سبک تعلیمات اروپایی در ایران کافی نبود، بنابر این در سال ۱۲۹۰ شمسی، نویسندگان در روزنامه ها و مجلات، دولت را با اعزام محصل به خارج واداشتند و بالاخره در این سال قانون اعزام محصل به اروپا و مراجعت آنان در مجلس شورای ملی مطرح و پس از تصویب به موقع عمل گذارده شده است، اینک بذکر آن می پردازیم.

قانون نامبرده طبق مواد چهارگانه زیر در ۱۲۹۰ شمسی در مجلس شورای ملی به تصویب رسید:
ماده ۱- در سنه تنگوزنیل ۱۳۲۹ سی نفر شاگرد ایرانی از طرف دولت علیه برای تحصیلات ذیل باروپا فرستاده می شوند: جهت علوم اعزامی پیاده دو نفر، سوار دو نفر، مهندس نظام یک نفر، توپخانه دو نفر، افراد اداری یک نفر، جهت علوم دیگر مخصوص ابریشم یک نفر، فلاحات عمومی یک نفر، و برای مدرسه مهندسی و طرق دو نفر، برای مدرسه حرف و صنایع دو نفر، شیمیست یک نفر.

ماده ۲- بعد از سنه تنگوزئیل تا مدت پنج سال هر سال ۲۰ نفر شاگرد جدید بخارجه اعزام می شود، که مشغول تحصیل علوم لازمه باشند و هر چند نفر از شاگردانی که بعد از فراغت از تحصیل، مراجعت بایران نکنند و یا بواسطه طفره از تحصیلات و یا بجهت دیگر خارج شده و محل خالی بماند، عوض آنها فرستاده می شود.

ماده ۳- مخارج سی نفر شاگرد از قرار نفری پانصد و پنجاه تومان، مبلغ ۱۶۵۰۰ تومان سالیانه اعتبار، بوزارت معارف داده می شود.

ماده ۴- مخارج ایاب و ذهاب سی نفر شاگرد، از قرار یکصد تومان، جمعا ۳ هزار تومان. قانون فوق الذکر و اعزام عده قلیلی از جوانان باروپا، باعث ایجاد افکار جدید در ایران گردید، روز بروز احساسات تازه تری در مردم ایجاد، فکر اعزام عده بیشتری از جوانان برای فراگرفتن علوم جدید باروپا در عموم مردم ایجاد شد. روزنامه ها مقالات زیادی در این خصوص نگاشته و غالبا موضوع اعزام محصل باروپا در مجامع مورد بحث واقع شده، در نتیجه وزارت فرهنگ را تشویق و دولت را وادار بوضع و تنظیم قانون جدیدی برای اعزام محصل باروپا نموده و بالاخره در سال ۱۳۰۷ شمسی قانون اعزام محصل بخارجه، بار دیگر در اول خرداد ماه آن سال در مجلس شورای ملی مطرح و تصویب گردید، و در موقع اعزام اولین کاروان جوانان ایرانی بخارج از میهن خود، برای تحصیلات متوسطه و عالی، جشن باشکوهی گرفته و عموم بزرگان و اعیان و رجال کشور و سفرا و نمایندگان خارج و رضا شاه پهلوی خود در جشن حاضر و پس از ایراد خطابه ها و سخنرانی های مفید با شادی و سرور حرکت نمودند و اینک بعضی از مواد مهم قانون مزبور را متذکر می گردد و آقایان دانشجویان برای اطلاع بیشتری بسالنامه فرهنگ سال ۱۳۰۷ و ۸ و یا سالنامه ۱۳۱۶ و ۱۷ مراجعه نمایند.

قانون اعزام محصل بخارجه مصوب اول خرداد ماه ۱۳۰۷

ماده ۱- دولت مکلف است اعتبارات زیر را برای اعزام شاگرد بخارجه اعم از مرکز و ولایات، جهت تکمیل تحصیلات در علوم و فنونی که از طرف دولت معین خواهد شد، در بودجه سنوات ذیل منظور دارد، از عده محصلین اعزامی بایستی همه ساله لااقل ۳۵٪ برای تحصیل فن تعلیم و تربیت اعزام شوند.



سال ۱۳۰۷ یکصد هزار تومان، ۱۳۰۸ دویست هزار تومان، ۱۳۰۹ سیصد هزار تومان، ۱۳۱۰ چهار[صد] هزار تومان، ۱۳۱۱ پانصد هزار تومان و ۱۳۱۲ و سنوات بعد ششصد هزار تومان.

تبصره: اعتباراتی که بموجب قوانین مخصوصه، اختصاص باعزام محصلین بخارج دارد و همچنین اعتباراتی که در بودجه سال ۱۳۰۷ وزارتخانه‌ها، تخصیص باین نوع خرج داده شده، باید در آتیه محفوظ ماند و اعتبارات مذکور در این ماده، علاوه بر اعتبارات فوق الذکر خواهد بود.

ماده ۳- دولت مکلف است کلیه کسانی را که بر طبق این قانون فارغ التحصیل می‌شوند، در شغلی که مربوط به تحصیلات آنها است، مصدر خدمت نماید و چنانچه از تاریخ مراجعت بایران تا شش ماه، خدمتی به آنها رجوع نگردد، می‌توانند برای خود شغل دیگری تدارک نمایند، ولی هرگاه بعدا تا مدت چهار سال استخدام آنها را مورد احتیاج دولت دانند، بآنها اخطار می‌شود و پس از سه ماه از تاریخ اخطار، باید حاضر خدمت شوند، در این صورت اگر بلافاصله خدمتی ارجاع نگردد، دولت مکلف است مادام که خدمتی ارجاع نکرده، حقوق رتبه آنها را برداشت نماید.

تبصره: مواد ۶۸ و ۷۳ قانون استخدام کشوری، شامل حال محصلین مذکور نخواهد بود و دولت می‌تواند محصلین مزبور و همچنین کلیه کسانی را که از مدارس عالی فارغ التحصیل شده و باخذ دیپلم از درجه لیسانس ببالا نایل آمده‌اند، بدون طی خدمت ابتدائی با رتبه ۳ اداری بخدمت بپذیرد و تا رتبه ۶ اداری آنها را پس از توقف دو سال در یک رتبه، بمرحله بالاتر ارتقا دهد و طبق ماده چهارم مقرر گردید در شهر پاریس، اداره ای جهت سرپرستی محصلین مزبور و رسیدگی بکارهای زندگانی تحصیلی و غیر آنها تشکیل داده و به این طریق محصلین اعزامی با سرپرستی آنان در مدارس عالی کشورهای مختلف اروپا مشغول تحصیل علوم و فنون مختلفه گردیده و پس از چند سال تحصیل، مرتباً هر سال عده زیادی از آنان بایران مراجعت نموده و بکارهای محوله اشتغال ورزیدند و به این ترتیب کشور را از استخدام متخصصین فنی و معلمین و مستشاران خارجی تا اندازه ای مستغنی گردانیدند. باید دانست این عمل طبق نظامنامه مخصوص ذیل بمورد عمل گذارده شد.

نظامنامه راجع باعزام محصلین مصوب ۱۲ تیرماه ۱۳۰۷

ماده ۱- در اسفند هر سال وزارت معارف، عده محصلینی را که باعتبار سال بعد بخارجه اعزام می شوند معلوم خواهد کرد، رشته های علوم و همچنین تعیین عده ای که کمتر از صد نفر نخواهد بود و بهر یک از آن رشته ها [که] باید تحصیل نمایند، هیئت وزرای عظام معین خواهند نمود.

ماده ۲- مطابق ۳۵٪ از محصلین برای فراگرفتن علم تعلیم و تربیت روانه خواهد شد. عده محصلین و تعیین رشته های مربوطه تحصیلات آنان در اروپا بقرار زیر تعیین گردیده است. ضمیمه رشته های علمی که هیئت وزراء عظام برای محصلین اعزامی سال ۱۳۰۸ تصویب نموده اند بقرار زیر است:

۱- رشته های تعلیم و تربیت ۳۵ نفر. ۲- طب ۸ نفر. ۳- کمال ۴ نفر. ۴- جراح ۴ نفر. ۵- دندانساز ۳ نفر. ۶- بیطار ۵ نفر. ۷- مهندس راه ۸ نفر. ۸- مهندس فلاحت ۵ نفر. ۹- شیمیست ۳ نفر. ۱۰- مهندس برق ۵ نفر. ۱۱- مهندس ماشین ۳ نفر. ۱۲- مهندس معدن ۵ نفر. ۱۳- جنگل و میاه ۲ نفر. ۱۴- علوم مالی ۳ نفر. ۱۵- حقوق ۳ نفر. ۱۶- مهندس بندر ۴ نفر.

بطوریکه سابقا گفته شد عده ای از محصلین ایرانی با خرج خود در اروپا تحصیل می نمودند، دولت برای تحصیل آنان مقرر داشت در باره آنان نیز کمک مادی بعمل آورده و تحت سرپرستی و مراقبت خود قرار دهد، تا بوضع بهتری تحصیلات خود را ادامه دهند، بعلاوه چون بعضی از محصلین مقیم کشورهای اروپا، بواسطه فقدان وسائل مادی از عهده مخارج مقرر به خوبی بر نمی آمدند، دولت لازم دانست درباره آنها نیز مساعدتی بعمل آورده، لذا مقرر داشتند درباره ۲۰٪ از محصلین ایرانی مقیم اروپا، کمک هزینه تحصیلی قائل گردند و برای اینکار آنها را مشمول قانون تحصیل فوق الذکر گردانیدند، باین طریق:

نظامنامه انتخاب محصلین مقیم اروپا مصوب ۳۰ مرداد ۱۳۰۸

نظر به تبصره قانون مورخ ۶ تیرماه ۱۳۰۸ راجع به انتخاب ۲۰٪ محصلین اعزامی بخارجه، از بین محصلین بی بضاعت ایرانی مقیم اروپا، نظامنامه ذیل برای طرز انتخاب مذکور وضع و تدوین می شود. (شامل ده ماده که از ذکر آن خودداری می شود).



چون نظامنامه مزبور فقط درباره محصلین ایرانی مقیم کشورهای اروپا اجرا و عملی گردیده و عده زیادی از محصلین ایرانی در امریکا مشغول تحصیل بودند، نظر اولیاء امور را جلب و با موافقت دولت و مجلس شورای ملی، مجددا قانونی تحت یک ماده واحده بتصویب مجلس شورای ملی رسید و قرار شد محصلین مقیم امریکا را نیز شامل مقررات قانون و نظامنامه انتخاب ۲۰٪ از بین محصلین بی بضاعت بنمایند، باین طریق قانون اجازه انتخاب محصلین ایرانی آمریکا جزء ۲۰٪ محصلین اعزامی مصوب ۱۰ اردیبهشت ۱۳۱۱ شمسی:

ماده واحده: وزارت معارف مجاز است از محصلین ایرانی که در ممالک متحده امریکا تحصیل می کنند، با احراز شرایط مصرحه در قانون ۶ تیرماه ۱۳۰۸، نیز جزو ۲۰٪ محصلین اعزامی بخارج انتخاب نماید.

چون یکی از شرایط پذیرفتن محصلین برای شرکت در امتحانات مسابقه اروپا، داشتن پروانه دوره کامل متوسطه بوده و شامل فارغ التحصیل های دانشکده کشاورزی نمی شد، بنابراین با تقاضای فارغ التحصیل ها و اولیای دانشکده، تصویبنامه ای در ۲۶ مرداد ماه ۱۳۱۲ از مجلس گذشته و طبق آن فارغ التحصیل های دانشکده کشاورزی نیز در مسابقه شرکت نموده و از قانون اعزام محصل باروپا بهره مند گردیدند.

ضمنا برای اینکه ادامه تحصیلات محصلین اعزامی باروپا و شرکت آنان در مسابقه های مدارس اروپا دچار وقفه نگردد، دولت ایران با اولیای امور فرانسه وارد مذاکره گردیده و بالاخره در ۲۵ آوریل ۱۳۲۹ قراردادی بین دو کشور ایران و فرانسه راجع به برابری ارزش تحصیلات امضا گردید و طبق آن پروانه های تحصیلی وزارت فرهنگ ایران در مدارس فرانسه، همان ارزشی را دارا گردید که در ایران داشته است و در این خصوص بین ایرانیان و فرانسویان فرقی قائل نگردیدند، ضمنا باید دانست در جریان این سالها عده زیادی از محصلین ایرانی برای تعلیم فنون صنعتی از هنرستان صنعتی ایران و ادارات دیگر کشور، بخارج اعزام گردیدند که از ذکر آن خودداری می گردد.

تاریخچه دانشسرای عالی (جزء تاسیس مدارس)

در سال ۱۲۹۷ شمسی یعنی در زمان نظارت مرحوم نصیرالدوله^۱ عده‌ی زیادی مدرسه در طهران و ولایات از طرف وزارت فرهنگ افتتاح گردید و چون معلمین که از هر حیث از عهده تربیت شاگردان برآیند و بنابر اصول جدید تعلیم و تربیت این فن را آموخته باشند، در ایران وجود نداشت، در همان قدم اول، متصدیان امور بلزوم و اهمیت تربیت معلمین پی برده و تصمیم گرفتند مدرسه‌ای برای تهیه آموزگاران و دبیران تاسیس نمایند، در ابتدا برای اجرای مقصود، مدرسه‌ای به نام «دارالمعلمین مرکزی» بریاست آقای ابوالحسن فروغی^۲ و نظارت آقای اسماعیل مرآت^۳ تاسیس نمودند، که برنامه آن با تحصیلات متوسطه مطابقت داشت و در ضمن شامل مواد دیگری بود که مختص به تعلیم و تربیت و تهیه معلم است، از قبیل معرفة النفس، منطق، اصول و تعلیم و تربیت.

برای اینکه تا حدی تعلیم و تربیت عملی تدریس شود، یکی از مدارس ابتدایی نیز ضمیمه گردید تا محصلین از لحاظ روانشناسی و اصول تدریس مجال تحقیق و عمل داشته باشند، علاوه بر این اقدامات که احتیاج مبرم بمعلم محرک آن بود، عده‌ای از دانشمندان نیز برای تعلیم و تربیت محصلین شرکت داشتند، از قبیل دکتر ابوالقاسم بهرامی^۴، حبیب

۱ میرزا احمدخان نصیرالدوله (۱۲۴۹ ش، رشت - ۱۳۰۹ ش، تهران) که نام خانوادگی بَدیر برگزید، از پیشگامان آموزش و پرورش مدرن در ایران و دولتمرد دوران قاجار و پهلوی است.

۲ ابوالحسن فروغی (۱۲۷۰ ش، تهران - ۱۳۳۸ ش، تهران) ادیب، فیلسوف و سیاستمدار، فرزند محمدحسین فروغی و برادر محمدعلی فروغی است. فروغی از مؤسسان مدرسه عالی دارالمعلمین بود.

۳ اسماعیل مرآت (۱۷ اسفند ۱۲۷۱ ش، تهران - ۲۷ آذر ۱۳۲۸ ش، واشنگتن) وزیر فرهنگ ایران در دوره رضاشاه و از پایه‌گذاران آموزش عالی نوین در ایران است. وی بر تهیه کتاب‌های درسی تأکید بسیار داشت. در زمان وزارت او نزدیک به دویست جلد کتاب درسی دبیرستانی تألیف و چاپ شد. مرآت به همراه احمد نخجوان، وزیر جنگ، بر سره نویسی در زبان فارسی تأکید داشت و کوشش‌های این دو و دیگران، همراهی رضا شاه را برای صدور فرمان تأسیس «فرهنگستان ایران» به دنبال داشت.

۴ دکتر ابوالقاسم بهرامی (۱۳۲۹-۱۲۷۳ ش)، پزشک و از نخستین همکاران انستیتو پاستور ایران. پدرش دکتر میرزا ابوالحسن خان، طبیب مخصوص محمد رحیم خان علاءالدوله ملقب به امیر نظام، حاکم تهران و وزیر دربار ناصرالدین شاه بود.



الله ذوالفنون^۱، دکتر عیسی صدیق^۲، عبدالعظیم قریب^۳ و اقبال آشتیانی^۴. تا سال ۱۳۰۷ این موسسه بهمان وضع برقرار بود و متدرجا عده ای از فارغ التحصیلان آن در مرکز و ولایات بتدریس و خدمت مشغول شدند، ولی چون از آن ببعد عده دبستانها رو بافزایش گذاشت، چند باب دبیرستان نیز مفتوح گردید، تا بتوان بنابر قانون اعزام محصل باروپا، سالی یکصد نفر جوان برای تعقیب تحصیلات عالیہ باروپا و آمریکا اعزام نمود، از این جهت احتیاج به دبیرانی که بتوانند در مدارس متوسطه کامل تدریس کنند، بیشتر شد، لذا بتاسیس دارالمعلمین عالی اقدام گردید و از این ببعد وزارت فرهنگ در فراهم کردن وسائل تکمیل آن از هر حیث مراقبت کرد، چنانکه گذرانیدن قانون اعطای کمک خرج برای محصلین دارالمعلمین عالی و

۱ حبیب‌الله سلطان آبادی عراقی (زاده ۱۲۳۹ ش، اراک - درگذشته ۳ دی ۱۳۲۶ ش)، معروف به شیخ حبیب‌الله ذوالفنون دانشمند ستاره‌شناس و تقویم‌نگار بود که در زمینه‌های ادبیات، ریاضیات و تفسیر قرآن نیز فعالیت داشت. وی مدت‌ها در دارالمعلمین مرکزی مثلثات کروی و نیز مدرسه عالی سپهسالار علم نجوم و هیئت تدریس می‌کرد. حبیب‌الله ذوالفنون به همراه برخی اساتید معروف آن دوره، از اولین مدرسان و اساتید دارالمعلمین مرکزی بودند. ۲ عیسی صدیق (۲۸ خرداد ۱۲۷۳ ش، تهران - ۱۶ آذر ۱۳۵۷ ش، تهران) ملقب به صدیق اعلم، ادیب، نویسنده و سومین رئیس دانشگاه تهران بود. وی در سال ۱۲۹۰ جزو اولین گروه از دانشجویان اعزامی به خارج در دوره بعد از مشروطیت بود که عازم فرانسه شد. پس از بازگشت به ایران، ابتدا به ریاست دارالمعلمین عالی منصوب شد و سپس آن را دانشکده علوم و ادبیات و هسته مرکزی دانشگاه قرار داد.

۳ عبدالعظیم قریب گرکانی (زاده ۱۲۵۸ ش گرکان - درگذشت ۳ فروردین ۱۳۴۴ ش)، ادیب معاصر ایرانی و بنیان‌گذار دستور زبان فارسی نوین بود. از سال ۱۳۲۰ قمری در مدرسه دارالفنون و سپس در دارالمعلمین مرکزی (بعداً دانشسرای عالی) از نخستین دوره تأسیس آن شروع به تدریس ادبیات فارسی کرد. هنگامی که دانشگاه تهران تأسیس شد، قریب از اولین کسانی بود که به مقام استادی دانشگاه برگزیده شد و در دانشکده ادبیات عهده‌دار تدریس زبان و دستور فارسی شد. او این سمت را تا پایان عمر به عهده داشت. وی به عضویت فرهنگستان ایران نیز انتخاب شد و از اعضای برجسته این فرهنگستان به‌شمار می‌رفت. عبدالعظیم قریب در زبان و ادبیات فارسی و عربی تسلط بی‌مانندی داشت و حدود ۵۸ سال از عمرش را با عشق و علاقه صرف تدریس دستور زبان فارسی و تعلیم و تربیت فرهیختگان ایران کرد. وی قواعد زبان فارسی با به سبک دستورهای فارسی‌زبان اروپایی تدوین کرد و دستور زبان فارسی را در چهار جلد تألیف کرد.

۴ عباس اقبال آشتیانی (۱۲۷۵ ش - ۲۱ بهمن ۱۳۳۴ ش) مورخ، ادیب و نویسنده معاصر ایرانی است. در سال ۱۳۲۸ قمری به تهران آمد و ابتدا در مدرسه شرکت گلستان و سپس در مدرسه دارالفنون تحصیل کرد. پس از فراغت از تحصیل در دارالفنون به معلمی در همان مدرسه انتخاب شد. س از تأسیس دارالمعلمین عالی با توجه به درخشندگی خاصی که در دارالفنون از خود نشان داده بود، برای تدریس دعوت شد و سال‌ها تدریس ادبیات، تاریخ و جغرافیا در دارالمعلمین عالی و همچنین در مدارس نظام و علوم سیاسی بر عهده او بود. عباس اقبال طی سال‌های فعالیت نویسندگی خود تعداد پرشماری مقاله در زمینه‌های ادبی، تاریخی و اجتماعی از خود به یادگار نهاد. خود او مجله یادگار را تأسیس کرد و به مدت پنج سال از ۱۳۲۳ تا ۱۳۲۸ انتشار داد که در میان معدود نشریات ادبی و تاریخی آن زمان کاملاً متمایز است. عباس اقبال آشتیانی را بنیان‌گذار مقاله‌نویسی به معنی فنی آن در ایران دانسته‌اند.

طرز استخدام آنها در آذرماه ۱۳۰۸ شمسی و استخدام معلمین فرانسوی (بعدا اسامی آنها ذکر می شود) و تفکیک دوره اول و دوم متوسطه از دارالمعلمین عالی، نمونه ای از توجه مخصوص وزارت فرهنگ بمسئله تعلیم و تربیت می باشد.

نظر باینکه دارالمعلمین عالی در سال سوم تاسیس، مستقلا دارای پانزده کلاس در شعب فلسفه و ادبیات، تاریخ و جغرافیا، طبیعیات، ریاضیات، فیزیک و شیمی شده بود و عمارت سابق آن یعنی بنای شرکت فرهنگ گنجایش کافی نداشت، محل آن را بیاغ قوام الدوله، در خیابان شاهپور انتقال دادند. از سال ۱۳۱۱ آقای دکتر صدیق بسمت ریاست این موسسه انتخاب و از ۱۹ اسفند ۱۳۱۲ اسم آن بدانشسرای عالی تبدیل گردید. بعلاوه تاسیس آزمایشگاه ها و تشکیل انجمنها و تاسیس کتابخانه نیز، از جریان سالهای ۱۳۰۸ ببعده عملی گردید و بنابراین چون جایگاه اصلی کافی نبود و عمارت بزرگتری لازم داشت، دارالمعلمین عالی در تیرماه ۱۳۱۱ بمحل مدرسه علمیه یعنی نگارستان منتقل شد.

معلمین و مستشاران خارجی در ایران

ایران از قدیم درجات عالی تمدن را سیر نموده و از این جهت بر سایر ملل دنیا برتری داشته و آمیزش ایرانیان با دول دیگر، باعث اختلاط تمدن ایران با سایر اقوام گردیده بود، اما تحولات و حوادث تاریخی و حملات اقوام وحشی ترک و مغول و غیره و جنگهای خونین ایران با همسایگان، هریک بنوبه خود ایران را ببدبختی سوق داده و عدم علاقه پادشاهان و زمامداران وقت نیز کمک موثری بآن کرد و بالاخره ایران از تمدن جدید بی بهره ماند، و موقعی از خواب غفلت بیدار شد که صدها سال از تمدن اروپائی عقب مانده و برای ادامه حیات ملی و باقیماندن اقتدارات اولیه، لازم بود دست نیاز بسمت اروپائیان دراز کرده و بکمک عمال جَرَف و صنایع ایشان، خویشان را تا اندازه ای بتمدن غربی آشنا سازد، بنابر این در ابتدا در زمان شاه عباس کبیر و جنگهای ایران و عثمانی و احتیاج مبرم بتدارکات و اصول جنگی جدید اروپا و تهیه اسلحه آتشین و ارتباط ایران با دولت انگلیس، عده ای از سیاحان انگلیسی به ایران





عزیمت نمودند، از آن جمله برادران شرلی: آنتونی شرلی^۱ و رابرت شرلی^۲ هستند که در دربار ایران راه یافته و از طرف شاه عباس مامور تشکیل نظام جدید در ایران و تکمیل فن اسلحه سازی و توپ سازی گردیدند.

پیش آمده‌های ناگوار دوره های بعد از شاه عباس، یعنی حملات افغان ها و شورشها و کشمکش های داخلی، فرصتی برای پیشرفت و توسعه علوم و امور صنعتی و علمی باقی نگذاشته بود و دول اروپائی هم بعناوین مختلف و به تشبث یکدیگر، آتش فساد را بیشتر در داخل کشور روشن کرده و با کسب امتیازات، از منافع سیاسی و اقتصادی ایران بهره مند می گردیدند. از طرفی ایران بواسطه موقعیت طبیعی خود، همیشه مورد نظر اروپائیان و دول استعماری، برای دست یافتن بهندوستان، در صدد بودند به هر نحوی باشد ایران را با افکار خود همراه ساخته و یا تحت سلطه و نفوذ خود در آورند، مثلا در جنگهای ناپلئون کبیر با روسیه و انگلیس و غیره، ناپلئون به نماینده خود در ایران دستور داد با فتحعلیشاه قاجار برای عقد اتحادی وارد مذاکره گردد، باین طریق هیئتی را برای تعلیم و تنظیم ارتش ایران بسبک ارتش فرانسه [بفرستد] و بعلاوه دولت روسیه را مجبور نماید تا اراضی را که در جنگهای با ایران تصرف کرده است، مجددا به دولت ایران تسلیم نماید و همچنین مقداری اسلحه برای ایران بفرستد، بشرطی که دولت ایران به دولت انگلیس اعلان جنگ دهد و دست انگلیسی ها را از امور ایران کوتاه سازد و برای این منظور کاروان فرانسوی با عده ای برای تنظیم ارتش ایران فرستاده شد، ولی به طوریکه سابقا در جنگ های ایران و روسیه دیده ایم، این مسئله پس از ملاقات ناپلئون با امپراطور روسیه در محل تیلسیت^۳، بدون نتیجه ماند و دولت روسیه پس از تحمیل دو عهدنامه گلستان و ترکمنچای، بر قسمت بزرگی از اراضی و شهرهای ایران

۱ آنتونی شرلی (Anthony Shirley) (۱۵۶۵-۱۶۳۵م) نام یک جهانگرد انگلیسی است.

۲ رابرت شرلی (Robert Shirley) (۱۵۸۱-۱۶۲۸م) جهانگرد و ماجراجوی انگلیسی است. او از برادرانش، آنتونی شرلی و توماس شرلی کوچکتر بود.

۳ تیلسیت Tilsit شهری کوچک در او بلاست کالینینگراد روسیه است که از سال ۱۹۴۶ به بعد «سووتسک» نامیده می شود. در سال ۱۸۰۷ ناپلئون دو موافقت نامه صلح با الکساندر یکم تزار امپراتوری روسیه در این شهر منعقد کرد. فرانسه با امضای این پیمان‌ها، ایران و عثمانی را که پیش از آن به موجب پیمان‌نامه‌هایی با فرانسه (از جمله فین کن اشتاین) به یاری فرانسه امیدوار بودند در برابر تجاوزات روسیه تنها گذاشت و پایه‌گذار از دست دادن مناطقی از ایران در قفقاز همچون کشورهای کنونی جمهوری آذربایجان، گرجستان و ارمنستان شد.

استیلا یافت، بعلاوه در قسمت اعظم کشور نفوذ نموده و بدریافت امتیازات زیاد موفق شد و به این طریق شروع به عملیاتی کرد که هرکدام بنوبه خود برای استقلال کشور خطرات عظیمی در برداشتند و مقارن همین احوال، دولت انگلیس نیز در طرف جنوب بیکار ننشسته، از اختلاف ایران و فرانسه استفاده کرده و عده ای از افسران انگلیسی را برای تنظیم قوای لشکری به ایران اعزام داشتند و پس از مدتی در اختلافات ایران و روسیه بمداخله پرداخته، و با میانجیگری خود ایران را وادار به امضای عهدنامه ننگین و غیر قابل تحمل گلستان و ترکمانچای کرده و باین ترتیب بکسب امتیازات دیگری نائل و استقلال ایران را تهدید می کرد. این اختلافات و رقابتهای اجانب، بیشتر باعث بدبختی ایرانیان گردیده و دست آنان را از کارها کوتاه و سد بزرگی در مقابل هر گونه پیشرفت قرار داده بود، در زمان سلطنت ناصرالدین شاه قاجار و صدارت مرحوم امیرکبیر و پس از مسافرتهای ناصرالدین شاه به اروپا، دولت ایران برای دست یافتن بفنون جدید شروع به استخدام متخصصین و مستشاران اروپایی کرده و به این طریق عده ای از اروپاییان بمشاغل بزرگ گماشته شده و تشکیلات لشکری و کشوری ایران را بسبک جدید دول اروپایی تنظیم کرده و موسسات تازه ای از قبیل مدرسه و روزنامه و چاپ مجله و تلگراف و تلفون و بعدها مالیه و بانک و غیره در ایران تاسیس نمودند. و مخصوصا این امر بعد از مشروطیت و از ۱۳۰۱ شمسی که قرارداد و شرایط کنترات مستخدمین خارجی، در ۲۳ عقرب ۱۳۰۱ در مجلس شورای ملی موضوع مطرح، و طی دو ماده به تصویب رسید، کاملا رواج یافته و هر ساله عده زیادی از مهندسین و متخصصین و معلمین و مستشاران خارجی، از دول مختلف اروپایی استخدام و در ادارات لشکری و کشوری ایران بکار گماشته و موسسات و بنگاه های جدید و کارخانجات بزرگ شبیه اروپا تاسیس شد و می توان گفت امروز از هر جهت از بیگانگان بی نیاز گردیدیم و اینک بطور اختصار بشرح عملیات بعضی از مستشاران و سمت های هریک می پردازیم.

تشکیلات ارتش

به طوریکه قبلا ذکر شد، در زمان فتحعلیشاه هیئتی بریاست گاردان^۱ فرانسوی مامور تنظیم

۱ کلود ماتیو دو گاردان (Claude Mathieu De Gardane) (زاده ۱۱ ژوئیه ۱۷۶۶ در مارسلی، فرانسه - درگذشته ۳۰

ارتش ایران گردیده بودند و در تحت تعلیم افسران مزبور، اولین هنگ نظامی در طهران و در تبریز بسبک اروپا تشکیل شد و چندی بعد عده ای از افسران انگلیسی، از طرف دولت انگلیس و با دستور فتحعلیشاه جای آنها را گرفته و بتشکیلاتی پرداختند و بعدها میرزا تقی خان امیرکبیر بتاسیس وزارت جنگ مبادرت جسته و مسیو جان مترجم اول دولت ایران را برای جلب معلمین ماموریت داده و عده ای را برای تعلیم علوم و فنون نظامی و غیره از اطریش استخدام نمود و در مدرسه دارالفنون بتعلیم و تدریس مسائل مربوطه پیاده نظام و توپخانه و مهندسی و غیره گماشت، از این قرار مسیو بارون کومراس^۱ که اصلا از اهل سوییس و در خدمت اطریش بود، برای ترتیب پیاده نظام، مسیو مر^۲ برای تعلیم سواره نظام، دکتر پولاک^۳ معلم طب و جراحی و غیر از نامبردگان بالا، عده ای نیز از قبیل مسیو پشه ایتالیائی برای تعلیم پیاده نظام و مسیوینی فرانسوی برای تعلیم پیاده نظام و مسیو پروسکی^۴ بسمت آجودانی وزارت جنگ و معلم زبان فرانسه و تاریخ و جغرافیا و مسیو نیکلا فرانسوی معلم توپخانه بوده اند، که در دارالفنون مشغول تدریس شدند.

- ژانویه ۱۸۱۸ در سن میشل، فرانسه) افسر فرانسوی و رئیس هیئت اعزامی ناپلئون بناپارت در عهد فتحعلی شاه قاجار. در پاییز ۱۸۰۷ زمانی که فرانسه با پروس و روسیه در حال جنگ بود، امپراتوری روسیه درگیر جنگ دیگری با ایران بود. در آن زمان حکومت تهران مأموری را روانه امپراتوری فرانسه نمود تا برای اتحاد ایران و فرانسه در نبرد علیه روسیه انجام دهند. این گروه در کاخ فین کن اشتاین با دولتیان فرانسه دیدار نمودند و در چهارم می ۱۸۰۷ قراردادی معروف به عهدنامه فین کن اشتاین بین دولت ایران و فرانسه امضا گردید. ناپلئون ژنرال گاردان را به سمت ایران اعزم نمود تا مفاد قرار داد را اجرا نماید.
- ۱ آلفرد بارون دی گومنس Cumoans معلم پیاده نظام و مشاور امیرکبیر در اصلاح نظام، قرار بود دو سال در ایران بماند ولی چند ماه زودتر در اوایل ۱۲۶۹ ق استعفا داد و رفت.
- ۲ نمیرو Nemiro معلم سواره نظام دارالفنون.
- ۳ یاکوب ادوارد پولاک Jakob Eduard Polak (زاده ۱۲ نوامبر ۱۸۱۸ در مورژینا، بوهم - درگذشته ۸ اکتبر ۱۸۹۱ در وین)، پزشک دربار قاجار و مدرس پزشکی در دارالفنون عهد ناصر. او تحصیلات خود را در رشته های پزشکی و مردم نگاری در دانشگاه های وین و پراگ به پایان رساند و در رشته پزشکی زنان تخصص گرفت. پولاک به دعوت امیرکبیر برای تدریس در دارالفنون همراه با شش استاد دیگر اتریشی در سال ۱۲۳۰ ش، پیش از گشایش دارالفنون به ایران آمدند. او با تربیت دانش آموزان دارالفنون و تألیف اولین کتب پزشکی مدرن، نقشی کلیدی در معرفی پزشکی نوین به ایران ایفا کرد. دکتر پولاک در سال ۱۲۳۴ ق، پس از ۱۰ سال اقامت در ایران به وطن خود بازگشت.
- ۴ آگوست کرزیز August Karl Kerziz یکی از ۷ نفری بود که داوودخان مسیحی هنگام سفرش به اتریش به عنوان نماینده امیر کبیر، برای تدریس به ایران دعوت کرد و در مدرسه دارالفنون مشغول به کار نمود. کرشیش، به عنوان استاد توپخانه به مدرسه دارالفنون رفت، اما چون تاریخ، جغرافیا و حساب و هندسه می دانست، این رشته ها را نیز آموزش می داد. او به کمک دانشجویان خود کتاب های زیادی نوشت و ترجمه کرد. مترجم او میرزا زکی مازندرانی علی آبادی از تحصیل کرده های فرانسه، از کسانی بود که در تهران سیستم تلگراف کشید.



سابقاً نظام ایران بترتیب به ده تومان تقسیم می گردید، هر تومان دارای چند هنگ بود و از ایلات و طوایف و دستجات مختلف برای خدمت گرفته می شد. در ۱۲۹۷ تشکیل بریگارد قزاق سوار بمیل دولت وقت صورت گرفت و دارای یک گروهان پیاده و یک آتشبار صحرائی گردید، ولی به تدریج سازمان آن به تیپ و لشکر رسید و افسران روسی که برای تعلیمات جلب شده بودند، مطابق دستور دولت تزار رفتار نموده و مجری منافع او بودند. مقارن ۱۳۳۰ برای تاسیس امنیه، عده ای از افسران سوئدی استخدام و با هزینه زیاد موفق به سازمان اولیه آن شده و در سال ۱۳۳۲ عده ای از امنیه ایران به اسم ژاندارم که بالغ بر هفت هزار می گردید و در ۱۳۳۳ به ده هزار رسید، ولی بواسطه مداخله انگلیس و تاسیس پلیس جنوب، در تحت ریاست ژنرال سایکس^۱ (برای معامله مقابله با روسها)، تدریجاً و جبهه اولیه ژاندارم از بین رفت و در انقلاباتی که بواسطه جنگ بین الملل در ایران پیدا شد، بکلی اهمیت سابق خود را از دست داد. در آن اوان نیز بنام بریگارد مرکزی و عده ای هم با اسم گارد همایونی، با اسلوب اطریش تشکیل گردید و در عین حال، حکام و عمال دولتی، برای وصول مالیات و انجام وظائف اداری خود، مجبور بودند با متنفذین و روسای محلی اتحاد نموده و بوسیله آنها سوار و پیاده و چریک جمع نمایند و روسای ایلات باین طریق مورد استفاده ماجراجویان قرار می گرفتند و تزار، قزاق را در دست خود گرفت و انگلیس هم پلیس جنوب را تاسیس کرد و قرارداد ۱۹۰۷ در شرف عملی شدن بود، تا اینکه توجهات اولیای امور به ارتش و جریان سیاست دول شوروی و انگلیس از طرف دیگر، باعث شد که به ارتش ایران سر و صورتی داده شود، و در حال حاضر عده ای از متخصصین فنی نظام از فرانسه استخدام و در ارتش ایران مشغول کار گردیده و تشکیلات تازه آن، ثمره زحمات چندین سال پیش به این طرف می باشد.

۱ سر پرسی مولس ُورث سایکس Sir Percy Molesworth Sykes (زاده ۲۸ فوریه ۱۸۶۷ - درگذشته ۱۱ ژوئن ۱۹۴۵) ژنرال، نویسنده، و جغرافیدان انگلیسی بود. سایکس در سال ۱۸۹۲ در هنگ های ارتش هندوستان خدمت کرد و در آنجا با زبان فارسی آشنا شد. دو سال بعد به ایران آمد و کنسولگری انگلیس در کرمان را به راه انداخت. در سال ۱۹۱۶ به فرماندهی پلیس جنوب ایران منصوب شد و به جنوب ایران آمد و با یک سپاه ۱۱ هزار نفری هندی، ایرانی و افسرهای انگلیسی مأمور سرکوب مبارزان و مقاومت مردم جنوب شد. او مقر فرماندهی خود را شهر شیراز قرار داد و با همکاری عبدالحسین فرمانفرما و دیگر متنفذین هواخواه انگلیس به سرکوب نهضت جنوب پرداخت. وی سرانجام در سال ۱۹۱۸ از ایران احضار شد.



مالیه و مستشاران مالی

قبل از مشروطیت ایران دارای وزارتخانه به اسم مالیه بود و اعضای آن از یک عده بنام مستوفی تشکیل شده بود، که مامور بودند صورت جمع درآمد و هزینه هر شهرستان را به نام کتابچه دستور العمل تهیه، و بعد از اینکه بصره شاه می رسید به شهرستانها نزد حکام ارسال، و حکام محل تمام عایدات را مطابق آن وصول و به مصارف معینی می رساندند و اگر مازادی بود بخزانة دولت فرستاده می شد. کلیه مالیات ایران عبارت بود از مالیات اغنام و احشام و اراضی. در سال ۱۳۱۹ قمری برای تنظیم امور مالی، مستشارانی متناوبا از فرانسه و آمریکا جلب گردیدند، ولی با وجود اقداماتی که از طرف آنها به عمل آمد، معذک بوسیله عدم امنیت کشور، هیچوقت عایدات بطور مرتب وصول نمی شد. در سال ۱۳۳۰ دولت ایران برای اصلاح امور مالی خود، مورگان شوستر^۱ را به عنوان خزانه دار کل استخدام کرد و شخص مزبور جدا مشغول کار شد، ولی چون این اقدام مخالف مرام روسها بود، طبق اتمام حجتی که به ایران دادند، تقاضای انفصال او و یکی از متخصصین را نموده و تقاضا داشتند در آتیه، ایران بدون رضایت سفرای روس و انگلیس، مامورین خارجی استخدام نکنند، چون از موعده التیماتوم گذشت، قشون تزار از مرز گذشته و تعدیات جبران ناپذیری را مرتکب گشتند.

بالاخره بعدها قانون استخدام دکتر میلیسپو^۲، طی هفده ماده به تصویب مجلس شورای

۱ ویلیام مورگان شوستر William Morgan Shuster (۲۳ فوریه ۱۸۷۷ در واشینگتن - ۲۶ مه ۱۹۶۰ در نیویورک) حقوقدان، ناشر و کارشناس مالی اهل ایالات متحده آمریکا. در سال ۱۹۱۰، زمانی که وزیرمختار ایران در آمریکا از دولت آن کشور درخواست کرد که به منظور اصلاح امور مالی ایران، یک کارشناس مالی را برای استخدام در دولت ایران معرفی کند، شوستر با پیشنهاد ویلیام هاوارد نفت، رئیس‌جمهور آمریکا به دولت ایران معرفی شد. او در ۱۹۱۱ وارد ایران شد. رفتار غیرقابل پیش بینی و تعهد خدشه ناپذیر شوستر به انجام وظایف، باعث شد که سفارتخانه‌های روسیه و انگلیس در ایران که منافع اقتصادی خود را در این کشور دنبال می‌کردند، نسبت به او بدبین و ناراضی شوند. او پس از اولتیماتوم روسیه به دولت ایران، مبنی بر عزل وی و تهدید نظامی آن کشور، ناچار شد مأموریت خود را نیمه تمام رها کند و در ابتدای سال ۱۹۱۲ میلادی ایران را ترک نماید.

۲ آرتور میلیسپو Arthur Millsbaugh (۱۸۸۳-۱۹۵۵م)، حقوقدان و کارشناس مالی آمریکایی که در سال‌های ۱۹۲۷-۱۹۲۲ و ۱۹۴۲-۱۹۴۵ برای اصلاح مالیه به استخدام دولت ایران درآمد. در تاریخ مرداد ۱۳۰۱ در کابینه قوام السلطنه قانونی از مجلس گذشت که به موجب آن دکتر میلیسپو آمریکایی با حقوق ۱۵۰۰۰ دلار در سال استخدام که خانه و اثاثیه هم از طرف دولت تهیه می‌شد و هشت نفر دیگر آمریکایی که توسط دکتر میلیسپو انتخاب می‌شدند با حقوق ۷۵۰۰ دلار تا ۱۰۰۰۰ دلار. در سال ۱۹۲۱ که میلیسپو به ایران آمد، تمام تشکیلات وزارت مالیه و پیشکاری‌های ولایات تحت نظر مستقیم دکتر میلیسپو و همکاران آمریکایی او بود. وی اقدامات مثبت و منفی

ملی رسید و او را برای ریاست کل مالیه ایران انتخاب و از آمریکا استخدام کرده و به موجب ماده چهارده همان قانون، به او حق داده شد که در آمریکا برای سه سال یا کمتر، یکنفر عالم احصائیه و یکنفر منشی آمریکائی که زبان فرانسه را بداند و یکنفر نویسنده استخدام نماید، و این سه نفر منحصر برای او خواهد بود و حقوق و مخارج آنها را دولت ایران خواهد پرداخت و حقوق سالیانه ملیسیو پانزده هزار دلار تعیین و در ضمن قرار شد خانه و اثاثیه لازم نیز به او داده شود، والا سالی سه هزار دلار از این بابت پرداخت گردد.

در ۲۹ اردیبهشت ماه ۱۳۰۴ شمسی، قانون استخدام یازده نفر مستخدم آمریکائی جهت خدمت در ادارات مالیه و یکنفر نیز جهت ریاست امور فلاحتی، در مجلس شورای ملی تصویب گردید و در ماده اول بوزارت مالیه اجازه داده شد که طبق پیشنهاد رئیس کل مالیه، از اتباع ممالک متحد آمریکا، اشخاصی که دارای معلومات مقتضی و تخصص فنی باشند، برای مدتهایی که از سه الی پنج سال امتداد داشته باشد، برای خدمت در ادارات مالیه بسمت معاونت رئیس کل مالیه، بموجب کنترات به شرح پایین استخدام نمایند و ابتدای آن سه هفته قبل از ورود به ایران باشد.

۱- برای ریاست اداره کل محاسبات با حقوق سالیانه ده هزار دلار.

۲- برای معاونت مخصوص رئیس کل مالیه یکنفر با حقوق سالیانه هشت هزار دلار.

۳- برای خدمات دیگر ۸ نفر، هر یک با حقوق سالیانه هفت هزار و پانصد دلار.

۴- برای خدمات تند نویسی یک نفر با حقوق سالیانه سه هزار دلار.

و بموجب ماده دوم به وزارت مالیه و فوائد عامه، اجازه داده شد که مشترکاً یک نفر از اتباع آمریکا را که دولت آمریکا تخصص او را تصدیق کرده باشد، برای ریاست امور فلاحتی برای مدت سه الی پنج سال، با حقوق سالیانه ده هزار دلار استخدام نماید، شروع استخدام او از سه هفته قبل از ورود به ایران خواهد بود و همچنین خانه و اثاثیه مناسبی نیز به او داده شود و الا به میزان ۲۰٪ به حقوق او بیفزایند.

مختلفی داشت، اما در مجموع اقدامات وی توسط ایرانیان مثبت ارزیابی می‌شود. نهایتاً با قدرت گرفتن رضاخان به دلیل اختلاف نظر با وی از ایران رفت.



در جلسه ۱۱ آبانماه ۱۳۰۶ شمسی قانون بتصویب مجلس شورای ملی رسیده و بموجب آن بیانک ملی ایران اجازه داده شد، یکنفر متخصص بانک از اتباع سوئیس یا آلمان جهت ریاست بانک استخدام نماید. ضمناً مقرر گردید سالیانه دوازده هزار تومان حقوق باو پرداخته و برای مخارج اثاثیه و غیره ۲۰٪ سالیانه علاوه بر حقوق پرداخت شود.

همینطور برای آبیاری نواحی جنوب ایران، هیئتی را از خارج استخدام نمودند و باین ترتیب گرات فن روژن^۱ (Grate Von Roggin) و گروتف^۲ (Groothof) مهندسین هلندی بودند که برای آبیاری قسمت جنوب ایران استخدام شده و در جریان سالهای ۱۹۰۴ و ۱۹۰۵، گرات فن روژن که سمت ریاست هیئت مهندسین هلندی را داشت، چندین مرتبه بخوزستان مسافرت کرده و اطلاعاتی برای تجدید و احیاء سدهای قدیمی کرخه و کارون بعمل آورد و همچنین مسیو گروتف پیشنهاد و نقشه سد اهواز و آبیاری ساحل چپ کارون، بین اهواز و محمره را تهیه کرد. مسیو گرات فن روژن نتیجه مطالعات خود را در مجموعه مطالعات هیئت علمیه ایران، جلد هفتم درج کرده است.

موضوع ذوب آهن و استخراج معادن نیز بارها در مجلس شورای ملی مذاکره بعمل آمده، بالأخره در ۲۰ بهمن ماه ۱۳۰۴ قانونی تصویب شد و بموجب آن مقرر گردید، یکنفر متخصص برای ذوب آهن استخدام نمایند و برای اینکار مارتین^۳ آلمانی را استخدام نمودند و در جریان سال ۱۳۰۵ متخصص مزبور راپورتهایی تنظیم نموده و پیشنهادهای خود را عرضه داشت. برای بعضی ادارات و امور دیگر نیز مهندسین و متخصصین زیادی بایران جلب گردیدند و در اینجا فقط بذکر بعضی از آنها می پردازیم:

۱ گرات فن روژن Grate Von Roggin مهندسی هلندی که برای آبیاری زمین های جنوب ایران استخدام شد.
۲ گروتف Groothof مهندسی هلندی که برای آبیاری زمین های جنوب ایران استخدام شد.
۳ مارتین Martin کارشناس آلمانی ذوب آهن در عهد پهلوی اول. دولت ایران در سال ۱۳۰۴ ش تصمیم گرفت بدون مشارکت انگلیس در زمینه احداث خطوط راه آهن اقدام کند. بنابراین پس از انجام مذاکراتی که وزارت فواید عامه با وزیر مختار آلمان شولنبورگ صورت داد، قرارداد استخدام دکتر مارتین به عنوان متخصص ذوب آهن در مجلس تصویب شد و برای سرعت دادن به حرکت وی، حواله ای به مبلغ ۲۰۰۰ تومان برای خرج سفر وی به برلین حواله شد. تقریباً همگی کارکنان عالی رتبه راه آهن آلمانی بودند، اصولاً سرعت و کیفیت کار آلمانی ها از نظر دولت ایران مطلوبتر از امریکایی ها تلقی می شد. آلمانی ها توانستند کار خود را تا پایان قرار دادشان ادامه دهند.

- ۱- در سال ۱۲۹۰ هجری بازن دونورمان^۱ مهندس بلژیکی را برای اداره امور چاپخانه بایران خواستند که شرح آن سابقا گذشت.
- ۲- برای اداره امور گمرکی در سال ۱۳۱۵ هیئتی از بلژیک بریاست نوز بایران آورده که شرح آن گذشت.
- ۳- قبل از مشروطیت در ایران، وزارت کشور وجود نداشت و امور مربوط بآن بوسیله درباریان و شاه و مقام صدارت اداره می شد و یکنفر مستشار فرانسوی برای سازمانهای آن استخدام گردید، ولی نتیجه اساسی از کار او عاید نشد، حتی از بعد از کودتا که سایر وزارتخانه ها و بنگاههای دولتی اصلاح می شد و بنای هر یک بر اساس آن استوار می گردید، این وزارتخانه نیز بدست ایرانیان اصلاح و بصورت تازه درآمد.
- ۴- برای حفریات و مدیریت موزه ایران، قانونی در ۱۹ اردیبهشت ۱۳۰۷ بتصویب رسید و بموجب آن برای مدت پنج سال مسیو آندره گذار^۲ فرانسوی را استخدام نموده و تا سال ۱۳۱۳ بسمت مدیریت موزه ایران برقرار و از سال ۱۳۱۳ مجدداً برای مدت پنج سال بسمت مدیریت عتیقه جات و کتابخانه ملی منصوب گردید و چون مدت استخدام او منقضی گردید، مجدداً استخدام و فعلاً نیز مشغول کار است.

۱ بارون دونورمان Baron de Nurman کارشناس چاپ و نشر و راه آهن در عهد ناصری. در زمان ناصرالدین شاه روزنامه ای دوزبانه: فارسی - فرانسوی زبان به نام اکو دو پرس Echo de Perse یعنی صدای ایران منتشر شد. این روزنامه که به دستور مستقیم شاه و با هدف پاسخ دادن به مندرجات نشری های خارج از کشور درباره مسایل ایران و مقاصد تبلیغاتی دیگر منتشر می شد، تک نسخه بوده است. این روزنامه زیر نظر محمد حسن خان مراغی اعتماد السلطنه و مدیریت میرزا محمد حسین فروغی منتشر می شد. سردبیری هم به عهده یک دو فرد فرانسوی زبان با نام بارون دونورمان و انمون مورل (پزشک دربار) بوده است. پیش از آن قرار بود روزنامه ای دوزبانه: فارسی - فرانسوی به نام لاپاتری (وطن) چاپ شود، بارون دونورمان بلژیکی که به تهران آمده بود، یک نسخه این روزنامه را چاپ کرد، ولی دستگاه استبداد که نوشته های او را در مورد آزادی قلم و آزاد اندیشی برتافت این روزنامه را توقیف کرد.

۲ آندره گذار André Godard (زاده ۲۱ ژانویه ۱۸۸۱ م - درگذشته ۳۱ ژوئیه ۱۹۶۵ م)، معمار و باستان شناس فرانسوی. او در اوایل دوره پهلوی اول به ایران وارد و به استخدام دولت ایران درآمد. مسئولیت های او نظیر مدیر اداره عتیقات (باستانشناسی و موزه)، فعالیت های پژوهشی و شناسایی و ثبت آثار فرهنگی ایران (با همکاری همسرش یدادگار و ماکسیم سیرو)، انتشار نشریه باستان شناسی، بنیان گذاری دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، ریاست و استادی همین دانشکده در آغاز، وی را مهم ترین شخصیت خارجی معماری دوره رضا شاه پهلوی قرار می دهد که نزدیک به ربع قرن در ایران حضور داشت.

۵- فرهنگ: تعلیم و تربیت در ایران از زمان ناصرالدین شاه بعد، بطوری که سابقا نیز تذکر داده شد، بصورت تازه در مدارس تدریس گردیده و معلمین ایرانی و اروپائی علوم و زبانهای خارجی را بخصوص در مدرسه دارالفنون تدریس می نمودند و باین طریق پس از اندک مدتی، طبقات مختلفه کشور با فرستادن اطفال خود برای تعلیم و تربیت در مدارس جدید، علوم و زبانهای جدید را استقبال نمودند و در نتیجه احتیاج بایجاد مدارس کامل متوسطه و مدارس عالییه شدیدتر گردید و اولیای وزرات فرهنگ را بر آن داشت که مجاهدت بیشتری در پیشرفت و ترقی علوم نمایند و این امر جز با استخدام معلمین خارجی صورت پذیر نبود، بنا بر این از سالهای ۱۳۱۰ شمسی بعد، مرتباً همه ساله، عده ای را از ممالک مختلفه فرانسه، انگلیس و آلمان و بلژیک و غیره برای تعلیمات علوم طب و زبان و صنایع و علوم مهندسی و غیره استخدام و بدینوسیله بایجاد دانشکده و دانشگاه موفق گردیدند. در اول سنبله ۱۲۹۰ شمسی، قانون استخدام یکنفر معلم فرانسوی در مجلس شورای ملی تصویب گردید. در ششم جدی ۱۳۰۱ شمسی قانون استخدام مسیورهی (رهس) و مسیو فراش و یکنفر دیگر از فرانسه برای مدت سه سال بتصویب مجلس رسید.

در چهارم جدی همان سال دکتر ویلهلم آلمانی را برای مدت سه سال جهت معلمی جراحی استخدام نمودند، در ۲۸ جدی ۱۳۰۲ شمسی یکنفر معلم شیمی، و در ۲۷ جوزا ۱۳۰۳ دو نفر معلم دیگر را استخدام کردند و در ۷ جدی ۱۳۰۴ دکتر هانری اشترنک، تبعه آلمان را برای معلمی و مدیری مدرسه صنعتی استخدام کردند، در ۱۷ حوت ۱۳۰۳ مادام آندره هس^۱ فرانسوی را برای معلمی و مدیری مدرسه دارالمعلمیات، و در ۲۴ دیمه ۱۳۰۴ مسیو پاپاریان تبعه ترکیه را برای معلمی مدرسه دواسازی، و در ۲۴ دیمه ۱۳۰۴ یکنفر را برای معلمی حقوق، و در اول بهمن ماه ۱۳۰۴ مسیو ویلهلم مایر آلمانی را برای معلمی نجاری مدرسه صنعتی، و یکنفر آلمانی را برای آهنگری مدرسه صنعتی استخدام کردند. در ۱۶ شهریور ۱۳۰۶ قانون استخدام دو نفر معلم برای مدرسه صنعتی از آلمان، و دو نفر معلم برای مدرسه حقوق سیاسی از فرانسه، بتصویب مجلس شورای ملی رسید. در ۲۸ فروردین

1 Madame Andre Hess





۱۳۰۷ قانون استخدام دو نفر از آلمان برای مدرسه صنعتی فارس تصویب گردید، و بموجب قوانین دیگر در ۳ خرداد ۱۳۰۷ پروفیسور هرتسفلد^۱ آلمانی را برای معلمی زبان قدیمه و تاریخ قدیمی ایران و در ۲۳ خرداد ۱۳۰۷ هفت نفر معلم از فرانسه برای تکمیل و اصلاح مدارس عالی، و در ۳ تیرماه ۱۳۰۷ برای تعلیم آهنگری و نجاری مدرسه صنعتی از آلمان و در ۲۱ مرداد ۱۳۰۷ دو نفر معلم از فرانسه استخدام نمودند.

در ۹ تیر ۱۳۰۸ دوازده نفر معلم فرانسوی، برای تکمیل و اصلاح مدارس متوسطه مرکز و ولایات استخدام شدند، و در ۲۲ شهریور ۱۳۱۱ دو نفر معلم از اتباع فرانسه برای اصلاح و تکمیل مدارس عالی، و در ۵ مهر ۱۳۱۱ اجازه استخدام شش نفر معلم فرانسوی را برای اصلاح و تکمیل مدارس متوسطه خواستند، و در ۲۹ شهریور ۱۳۱۱ قانون تجدید استخدام ملچارسکی^۲ مدیر فنی و معلم مدرسه دندانسازی تصویب گردید. در ۱۲ آذر ماه ۱۳۱۲ قانون اجازه استخدام یک نفر معلم آهنگری از اتباع آلمان، برای هنرستان دولتی تصویب گردید، و در ۲۱ تیر ماه ۱۳۱۳ قانون استخدام یک نفر متخصص نجاری برای هنرستان فارس تصویب گردید. در ۱۷ مرداد ۱۳۱۳ قانون استخدام سه نفر معلم برای دانشسرای عالی، و اجازه استخدام سه نفر استاد از اتباع آلمان برای تدریس در دانشگاه طهران، و یک نفر از اتباع اطریش برای دانشکده کشاورزی، و یک نفر از اتباع فرانسه برای خدمت در دانشگاه تصویب گردید.

۱ ارنست امیل هرتسفلد Ernst Emil Herzfeld (زاده ۲۳ ژوئیه ۱۸۷۹ - درگذشته ۲۰ ژانویه ۱۹۴۸) باستان‌شناس و ایران‌شناس آلمانی. وی در سال‌های ۱۹۲۳-۱۹۲۵ بخش‌هایی از پاسارگاد و تخت جمشید را برای نخستین بار تحت نظر رضاشاه مورد کاوش قرار داد. وی از ۱۹۲۵-۱۹۳۴ به دعوت دولت وقت در ایران اقامت داشت. او در پیوند با تاریخ ایران باستان و بین‌النهرین پژوهش‌های میدانی گسترده‌ای انجام داد. شناخت آثار تاریخی ایران در انجمن‌های علمی جهان تا حد زیاد مدیون زحمات اوست. یکی از درخشان‌ترین جنبه‌های کاری او بیرون آوردن پلکان خاوری کاخ آپادانا از زیر خاک و همچنین کشف ده‌ها هزار لوح گلی است که داده‌های گسترده‌ای از اقتصاد و جامعه ایران در زمان شاهنشاهی هخامنشی به عموم ارائه کرد.

۲ دکتر فالد کوش ملچارسکی، دندان‌ساز اهل لهستان مقیم ایران. از سال ۱۳۰۸ ش برای تدریس دندانسازی با حقوق ماهیانه دویست و پنجاه تومان استخدام شد. در سال‌های دوم و سوم مدیریت او هر ساله پنجاه تومان به حقوق ماهیانه‌اش افزوده شد. این عدد در سالی که معلم‌های عادی مکتب ۱۵ تومان درآمد داشتند عدد قابل توجهی بود. از اقدامات ملچارسکی در ایران می‌توان به تلاش برای تاسیس مدرسه دندانسازی اشاره کرد، که خود تا چند دوره به عنوان مدیر فنی و نیز معلم این مدرسه مشغول به کار بود. او در فن دندانسازی بسیار چیره دست و ماهر بود و نقش وی در جایگاه نخستین رئیس در نخستین مرکز آکادمیک آموزش دندانپزشکی در ایران و نیز منصب او به عنوان دندان‌ساز مخصوص رضاشاه، نامش را در تاریخ دندانپزشکی ایران ماندگار کرده است. وی در سال ۱۳۳۲ ش درگذشت.



چاپ و چاپخانه در ایران نقل از سالنامه معارف

اگرچه عمل طبع قرن‌ها قبل از گوتنبرگ^۱ در ممالک چین و آسور و در قرن دوازدهم میلادی در هند و آندلس شروع شده بود و در قرن چهاردهم میلادی هم بفرمان گیخاتو^۲ در غالب نقاط ایران، چاپخانه^۳ های متعددی دایر و کاغذهای مربع مستطیل با اسم چاو^۴ طبع می شد (کلمه چاپ را در زبان فارسی از این کلمه گرفته اند)، ولی صنعت چاپی که حالیه در تمام عالم بشکل کنونی معمول و متداول گشته، یکی از کشفیاتی است که مبدا قرن جدید و منشاء ترقیات عصر حاضر بوده و تمام شرف و افتخار آن عاید و منسوب بمخترع آن گوتنبرگ است، که هیکل لایموت وی زینت چاپخانه های دنیاست و او پس از بیست سال زحمت در سنه ۱۴۵۳ میلادی بتاسیس

۱ یوهانس گوتنبرگ (Johannes Gensfleisch zur Laden zum Gutenberg) (زاده حدود ۱۳۹۸ در ماینتز - ۳ فوریه ۱۴۶۸ در ماینتز)، زرگر آلمانی و اولین مخترع ماشین چاپ و صنعت چاپ در اروپا. از یوهان گوتنبرگ اغلب به عنوان مخترع صنعت چاپ یاد می‌شود اما آنچه را که او انجام داد ابداع اولین روش استفاده از حروف چاپی قابل جابجایی و ماشین چاپ بود که این امکان را فراهم می‌آورد تا بتوان مطالب نوشته‌شده گوناگون را با سرعت و دقت به چاپ رساند. البته این صنعت ۴۰۰ سال قبل از وی توسط یک بازرگان چینی به نام بی شنگ استفاده می‌شد و حدود ۲۰۰ سال قبل نیز در کره مورد استفاده قرار می‌گرفت.

۲ گیخاتو خان (مغولی: айхат хан) برادر ارغون خان و پنجمین شاه ایلخانان مغول در ایران. در سال ۶۹۳ هجری، زمانی که گیخاتو خان بر ایران فرمانروایی می‌کرد، در نتیجهی هزینه شدن بیش از اندازهی زر و سیم برای خوشگذرانی خان مغول و اطرافیانش، خزانه کشور تهی شد و حتی برای غذای روز نیز پول کافی در دسترس نبود. در این میان، فردی به نام عزالدین محمد بن مظفر بن عمید، که از وضعیت چین و سرزمین‌های زیر فرمان قآن آگاه بود، خود را به صدر جهان زنجانی، وزیر گیخاتو خان رسانید و به او پیشنهاد کرد به جای زر و سیم، چاو را در سرزمین ایلخانان رواج دهد و بحران مالی را از این راه حل کند. به فرمان ایلخان خرید و فروش با زر و سیم ممنوع شد و در هر شهری اداره‌ای به نام چاپخانه بنیان‌گذاری شد و پول کاغذی برای مدتی، هر چند کوتاه، رواج پیدا کرد. اگرچه با مخالفت مردم و بازرگانان، چاو مدت زیادی پایدار نماند و با شورش مردم تبریز و سپس شیراز زمینهی اعتراض سراسری فراهم شد و در زمان غازان خان دیگر اثری از چاو باقی نماند و سرانجام فقط نامی از آن در تاریخ ماند. البته، نام چاپخانه به صورت چاپخانه در فرهنگ ایرانی ماندگار شد.

۴ چاو، نام پول کاغذی است که در دوره ایلخان گیخاتو خان و به تقلید از حکومت قویبیلای قآن در چین، در ایران نیز رواج یافت. در واقع این نخستین بار در تاریخ فلات ایران بود که پول کاغذی در آن منتشر شد. در نتیجه شهر تبریز که نخستین چاپخانه در آن راه اندازی شد، اولین شهر در این منطقه از جهان است که در آن اقدام به چاپ پول شده است. این پول، قطعه کاغذی مستطیلی شکل بود که روی آن شهادتین، لقب مغولی گیخاتو، مبلغ و ارزش چاو (از نیم درهم تا ده درهم) و عبارت زیر نوشته شده بود: «پادشاه جهان در تاریخ سنه ۶۹۳ این چاو مبارک را در ممالک روانه گردانید، تغییر و تبدیل‌کننده را با زن و فرزند به یاسا رسانیده، مال او را جهت دیوان بردارند». مجازات اشخاصی که از پذیرش چاو خودداری می‌کردند سخت بود، حتی به مجازات اعدام هم می‌رسید. با این وجود، انتشار چاو از ابتدا با عدم استقبال بازرگانان، کسبه و عموم روبه‌رو شد. اما به هر حال هر چند ناموفق، چاو نخستین پول کاغذی بود که در تاریخ ایران و به عبارت دیگر در بین مسلمانان چاپ شد.



اولین مطبعه خود موفق گردید، این دستگاه تا اواخر قرن پانزده میلادی در اغلب شهرهای اروپا دائر شد و در اواخر قرن هفدهم نمونه ای از آن دستگاه در مملکت ایران دایر گردید. در تاریخ ۱۶۰۴ میلادی مطابق ۱۰۱۳ هجری، شاه عباس کبیر که آرامنه جلفا و ماوراء رودخانه ارس را باصفهان کوچانید، جمعیت‌های مختلفی از هیئت‌های روحانی، بجهت تبلیغات مذهب کاتولیک بطرف ایران حمله آورده، در این مملکت جای گرفتند.

شخصی بنام آنژو دوسن ژوزف^۲ که در سال ۱۶۴۰ جزء کشیشان بایران آمده بود، در کتابی که در آمستردام چاپ کرد، در آن نوشته بود که پادریان ملیت (؟) رئیس کشیشان اصفهان، چاپخانه ای بزبان عربی و فارسی در اصفهان برپا کرد و آرامنه هم در جلفا چاپخانه بزبان ارمنی درست کردند، تاورنیه^۴ می گوید یکنفر از آرامنه موسوم به ژان در سال ۱۶۴۱ مطبعه ای از اروپا بایران آورد که ادعیه و اوراد مذهبی در آن دستگاه بطبع می رسید، قبل از

۱ ارمنی‌های اصفهان گروهی از مردم ارمنی تبار جلفا قدیم (جوغا) هستند که پس از کوچ بزرگ از جلفا یعنی در سال ۱۶۰۵ م / ۱۰۱۳ ق به دستور شاه عباس اول به اصفهان آورده شده و در آنجا ساکن شدند. طبق فرمان شاه عباس ارمنیان «جلفای قدیم» (نخجوان کنونی) به اصفهان کوچانده و ابتدا در شمس آباد اصفهان سکنی گزیدند و به مرور زمان، نو جلفا (جلفای اصفهان) را بنا نهادند.

۲ آنج دو سنت ژوزف Ange de Saint Joseph (متولد ۱۶۳۶ در تولوز - ۱۶۹۷ در پریگنان) یک مأمور مبلغ فرانسوی از فرقه گرملی در دربار ایران در دوره صفویه بود. وی زبان شناس بود و آثاری در زمینه داروسازی شرقی نوشت. در سال ۱۶۶۲ وی تحصیلات عربی را در رم آغاز کرد. در سال ۱۶۶۴ به عنوان مبلغ به شرق اعزام شد و هنگام بازدید از اصفهان توسط بالتازار، کارملیتی پرتغالی، فارسی را فراگرفت و حدود ده سال در ایران بسر برد.

۳ پادری، اصطلاحی برای کشیشان مبلغ مسیحی در کشورهای اسلامی، بویژه ایران و هند است. آغاز فعالیت جدی پادریان و مبلغان مسیحی اروپایی در ایران به زمان شاه عباس اول (۹۹۶-۱۰۳۸) برمی گردد. در سال ۱۰۱۶ ق / ۱۶۰۷ م، پاپ کاتولیک کلمنس هشتم، تعدادی از «پادریان گرملی» را برای تبلیغ به ایران فرستاد. آنان به رهبری پول سیمون در شمال اصفهان کلیسا و صومعه‌ای ساختند که از دیگر ساختمانهای مسیحی باشکوه‌تر بود همچنین آنها اولین دستگاه چاپ آن زمان را نیز وارد اصفهان کردند. هدف گرملی‌ها از احداث چاپخانه، چاپ اوراق ادعیه و اذکار مسیحی بوده است. نماینده پاپ کلمنس هشتم در ایران، پر ژان تاده بود که به فارسی «پادری جوان» نامیده میشد و شاه عباس در رجب ۱۰۳۰ او را کنسول فرنگیان شهر اصفهان کرد. در ۱۰۲۸ بنابه درخواست شاه عباس، پادری جوان زبور داوود را به فارسی ترجمه کرد و همراه نسخه عربی عهد جدید به شاه داد. اسناد باقیمانده از این گروه تبشیری با عنوان: «اسناد پادریان گرملی؛ بازمانده از عصر شاه عباس صفوی» به کوشش: ایرج افشار و منوچهر ستوده با اهتمام موسسه نشر میراث مکتوب در سال ۱۳۸۳ منتشر گردید.

۴ ژان باپتیست تاوژنیه Jean-Baptiste Tavernier (۱۶۰۵ - ۱۶۸۹ م)، جهانگرد و بازرگان فرانسوی است که در عصر صفوی بارها به ایران و مشرق زمین سفر کرد. سفرنامه او در شرح وقایع دوره صفویه و وقایع دربار صفوی است.



ورود مطبعه فوق الذکر باصفهان، کتابی در جلفا بعنوان «حیات اجداد روحانی»^۱ چاپ شد و اکنون نسخه ای از آن در کلیسای جلفا موجود است، پس نظر باین تاریخچه، آلات و ابزار مطبعه سیصد و اند سال قبل در ایران تأسیس یافته بود، ولی بواسطه حوادث و وقایع و تغییرات و تبدیلات که در اواخر سلسله صفویه و بعد بعمل آمد، در این خصوص هیچ پیشرفتی نشد و حتی چرخهای چاپخانه مزبور نیز از کار افتاد و تا اوائل قاجاریه شکل و صورت چاپخانه در خاطره کسی خطور نکرد.

در ۱۲۱۳ شمسی عباس میرزا نایب السلطنه که مروج علوم و ادبیات محلی بود و عشق سرشاری بتواریخ و سیر داشته است، از طرف فتحعلیشاه بحکمرانی آذربایجان منصوب گشت و بسیاری از علما و ادبا و ارباب ترجمه و تألیف و استادان صنایع و فنون را دور خود جمع کرده، صنعت طبع را نیز مورد توجه قرار داد و اشخاص زیادی بامر و تشویق وی مطبعه های سربی و سنگی به تبریز وارد کرده اند، که معروفترین آنها آقا زین العابدین تبریزی و میرزا صالح شیرازی می باشد و این میرزا صالح همان شخصی است که با مشیرالدوله و سه نفر دیگر بامر نایب السلطنه بلندن رفته تحصیل کردند، چنانکه مشارالیه در سیاحتنامه ای که در این مسافرت نوشته است، می گوید در موقع مراجعت به تبریز مطبعه نیز به همراه آورده است، بعد از مدتی جزو سفارت فوق العاده، بلندن و پترزبورگ رفت و چندین دستگاه دیگر نیز به تبریز وارد کرد، که بعدها بعضی از آنها را بطهران آورده و در آنجا دایر کردند، لذا اسامی این دو شخص که در تاریخ طبع ایران خدمات شایانی کرده اند و مؤسس چاپ در ایران بوده اند، در آخر بیشتر مطبوعات سربی و سنگی اولیه تبریز و طهران ثبت و رسم شده است.

۱ در اواسط قرن ۱۱ هجری، در عهد صفویه، گروهی از بازرگانان ایرانی، که از ارامنه اصفهان و ساکن آمستردام بودند، ابتدا حروف زبان ارمنی را تهیه و سپس چاپخانه ای را خریداری و وارد جلفای اصفهان کردند. در سفرنامه تاورنیه آمده است که یکی از ارامنه جلفا که یعقوب ژان نام داشت و نجار بود در ۱۰۵۱ ق/ ۱۶۴۱ م، چاپخانه ای از اروپا خریداری و وارد جلفا کرد که بعضی از دعاها و رسائل و اوارد مذهبی با این دستگاه به چاپ رسیده است. پیش از ورود این مطبعه، کتابی در جلفای اصفهان با عنوان «حیات اجداد روحانی» توسط خاچاطور، خلیفه وقت ارامنه در کلیسای وانک جلفای اصفهان، به چاپ رسیده است.

بعلاوه عباس میرزا، مردم را با آوردن مطبوعه و استادان طبع از اروپا مانند برجیس صاحب انگلیسی^۱، جدیت زیاد بخرج می داد. برجیس صاحب مدتها در تبریز ناشر عمل طبع بود و بعد از فوت نایب السلطنه بطهران رفته و مباشر روزنامه ها شد، اما آقا زین العابدین که از مؤسسين چاپخانه و مأمور طبع بوده و در این کار زحمت بسیار کشید، در ۱۲۴۰ بامر فتحعلیشاه از تبریز بطهران آمد و ملا محمد باقر بجای وی منصوب گشت. در سال ۱۳۲۸ هجری، میرزا جعفر معروف به میر نیز یک دستگاه مطبوعه سربی به تبریز وارد کرد. زین العابدین بعد از ورود بطهران با منوچهر خان^۲ آشنا شد و بهمت و کوشش وی نُسَخ زیادی از دستگاه طبع بیرون ریخته و منتشر ساخت (منوچهر خان یکی از رجال معروف عهد فتحعلیشاه و محمدشاه قاجار بود، جد پنجم وی میرزا سهراب، چون در غالب زبانها و لغات معموله مهارت داشته است، به آنگلبو که در لغت گرجی بمعنی صندوق لغات است شهرت یافته، خود منوچهر خان هم بلغت آنگلبو موسوم

۱ در میانه جنگهای ایران و روس و زمان سلطنت فتحعلیشاه، دو برادر انگلیسی برای فروش کالا و مایحتاج جنگی، وارد ایران شدند: چارلز و ادوارد. چارلز، انگلیسی تمام عیاری بود، پارچه های منجستر و پتوهای فولهام و دوربین های لوله ای را فروخت، و از دولت ایران ابریشم و فرش خرید، و از بابت قرض ها و ضمانت معامله تفنگ ها، ادوارد را گروهی گذاشت و رفت.

ادوارد وقتی به ایران آمد، احتمالاً بیست ساله بود، ۲۷ سال گروهی قرض برادرش در ایران ماند و از زمان سلطنت فتحعلیشاه تا ناصر الدین شاه در دربارهای متعددی، مغضوب و بدهکار زندگی کرد. ۲۷ سال منتظر بود تا چارلز برگردد و قرضش را بدهد. در این سالها، ادوارد آرام آرام ایرانی شد، همسر ارمنی ایرانی گرفت و دارای فرزند گردید، زبان فارسی و ترکی را در تبریز که در آن صاحب چاپخانه ای شده بود فرا گرفت، کتاب ترجمه و چاپ کرد، در زمان عباس میرزا به استخدام دولت ایران درآمد و سپس از تبریز به تهران آمد. امیر کبیر او را با عنوان «مترجم دیوان» برای ترجمه متون انگلیسی به وزارت خارجه دعوت کرد. ادوارد که حالا به «برجیس صاحب» مشهور شده بود، ترجمه متون جالب انگلیسی مجلات خارجی را برای روزنامه وقایع اتفاقیه بر عهده گرفت، و دست آخر سر دبیر روزنامه شد. برجیس صاحب، نهایتاً مترجم ارشد دربار دولت ایران شد.

در طول این ۲۷ سال، آنقدر تقاضای مرخصی کرد تا اینکه نهایتاً در سال ۱۸۵۴ که توانسته بود، اعتماد دربار ایران را بدست آورد، اجازه سفر به انگلیس را گرفت. او از تهران راه افتاد، در راه مریض شد و در تبریز درگذشت و همانجا هم دفن شد. (ماهنامه داستان همشهری، شماره سه، دوره جدید، تیر ۱۳۹۰)

۲ منوچهر خان گرجی یا منوچهرخان معتمدالدوله از سیاستمداران و سپهسالاران گرجی ایران در زمان قاجار است. در ۱۲۰۹ ق جزء اسیرانی بود که آقامحمدخان قاجار از تفلیس به ایران آورد. ظاهراً در دوران اسارت اخته شده است. در اثر کفایت و کیاست و مأموریتی که از جانب دستگاه اطلاعاتی امپراتور روس بعهده داشت در دستگاه حکومتی قاجار پیشرفت شایانی می کند. او مدیر، مدبر، ستمگر، سخت گیر و سنگدل بوده است. نفوذ وی در دربار به حدی بود که قائم مقام فراهانی از نفوذ او در دربار استفاده می کرده است. او بر خلاف فرمان شاه، به صورت آشکار از علی محمد باب حمایت می کرد و برای تشویق باب وعدههایی به او می داد. وی در سال ۱۲۶۳ ق درگذشت و در قم دفن شد.



بود). این شخص بجهت خدمات برجسته که وی در عمل طبع بکار برده، از طرف دولت و ملت فوق العاده مورد توجه واقع شد، زیرا پس از فوت میرزا عبدالوهاب خان نشاط، از طرف دولت بلقب معتمدالدوله مفتخر و سرافراز گردید و بیشتر از صد نفر از سخنواران آن عصر، قصائد و قطعاتی در مدح و توصیف وی بنظم آورده اند.

بعد از تبریز و طهران، اصفهان و رضائیه نیز قدیمی ترین شهر است که در صد سال قبل از این، یعنی ۱۸۴۰ میلادی یکدستگاه مطبوعه سربی در آنجا دایر گردیده و اولین چیزیکه در آنجا طبع شد، نسخه زبور بزبان قدیم ثریانی (سریانی) است که سرفصلهای آن با مرکب قرمز طبع شده است، و بعداً در شیراز و کرمان و مشهد، چاپخانه های دیگری تشکیل شد و باین ترتیب صنعت طبع در ایران شیوع پیدا کرد، بطوریکه در روزنامه نگاری ایران شرح داده شد. در سال ۱۲۹۰ قمری یعنی هنگامیکه ناصرالدین شاه قاجار با همراهان خود باروفا مسافرت نموده بود، بارون دونورمان را از بلژیک استخدام نموده و چاپخانه سربی نیز خریداری کرده، بتهران اعزام داشتند، شخص مزبور در سال ۱۲۹۲ چاپخانه سربی مزبور را بکار انداخته و بانتشار روزنامه پرداخت که شرح آن بتفصیل ذکر شده است.

روابط ایران با دول خارجی بعد از مشروطیت

سابقاً تاریخچه ارتباط ایران را با دول اروپائی بیان نمودیم، لازم است گفته شود این ارتباط اگرچه اصولاً برای تمدن جدید و انتشار صنایع و کارخانجات و پیشرفت فرهنگ و بالاخره امور اقتصادی کشور تا اندازه ای مفید و مؤثر واقع گردید، و بالتیجه تولید انقلابات بزرگی کرده، ملت ایران را از زیر بار ظلم و جور حکومت استبدادی رهانیده است، ولی در مقابل عواقب وخیمی را در برداشت، زیرا عدم اطلاع و بصیرت اولیای امور لشکری و کشوری و نداشتن امنیت کامل در سراسر کشور، موجود نبودن وسائل دفاعی و تحریکات شدید و تخطی اجانب در مرزها و مداخلات اروپائیان در کارها، هر یک بنوبه خود ضربه شدیدی بر پیکر مجروح ایران وارد آورد، و در جریان سالهای ۱۲۱۹ تا ۱۳۲۵ قطعات بزرگی از ایران مجزا و در مقابل دولت روسیه از طرف شمال و انگلیس از جنوب و مشرق دارای اراضی وسیع و حاصلخیزی گردیدند، علاوه بر این ضربات مهلک، لطمه بزرگی باستقلال سیاسی و

اقتصادی ایران وارد آمده که دیگر امیدی برای بازگرداندن آن در پیش نبود، و روز بروز عواقب وخیم تری پیش بینی می شد، تا سال ۱۳۲۵ هجری مقارن ۱۹۰۷ میلادی که دول اروپائی از طرفی بدست آوردن مستعمرات در آسیا و آفریقا با یکدیگر در زد و خورد بوده، و از طرف دیگر هر یک برای بدست آوردن متحدینی تازه در تکاپو بودند.

دول ایران و افغانستان و تبت نیز مورد منازعه روسیه و انگلیس قرار گرفته و هر کدام تیشه بریشه استقلال ما می زدند، تا بالاخره با وساطت دولت فرانسه در سال ۱۹۰۷ میلادی، که می خواست دو دولت مزبور را بر ضد آلمان با خود متحد سازد، در شهر سن پترزبورگ پایتخت روسیه، قراردادهائی امضا نموده و بموجب آن دولت انگلیس بواسطه برقراری نفوذ و تسلط خود در افغانستان و خلیج فارس و هندوستان را تأمین کرد. دولت روس هم ولایات ماوراء خزر را تا ترک و جیحون اشغال و نفوذ خود را در شمال ایران توسعه داد. منطقه نفوذ روسها در ایران در شمال خطی بود که از قصر شیرین شروع شده و از یزد و اصفهان و خواف گذشته، در کاخ بسرحد افغانستان می رسید و منطقه نفوذ انگلیسی ها از سرحد افغانستان شروع شده، از بیرجند و کرمان گذشته ببندرعباس منتهی می شد. بقیه ایران که منطقه مرزی را تشکیل می داد بیطرف شناخته می شد، دولتین در منطقه نفوذ یکدیگر و همچنین در منطقه مرکزی تعهداتی را قائل شدند که از آن جمله محترم شمردن استقلال ایران بود، باید دانست که این مقررات باز هم دارای ارزش حقیقی نبود و مداخلات دولتین را در ایران بیشتر کرد و عملیات جابرا نه متعرضین و عدم توجه عمال مملکت، توده روشن فکر ایران را بستوه آورد و در نتیجه محمد علیشاه را از سلطنت خلع و احمد میرزا را پادشاه خوانده، و در فکر اصلاحات داخلی و خارجی مملکت برآمده، و برای اینکار عده ای مستشاران مالی و لشکری از اروپا استخدام و بدستکاری آنان مشغول کار گردیدند، چنانچه در سال ۱۳۲۹ هجری مجلس شورای ملی ایران، برای پیشرفت امور مالی، هیئتی از مستشاران آمریکائی را بریاست مستر شوستر استخدام کرد، چندی بعد نیز عده از افسران سوئدی را برای تنظیم و تشکیل ارتش ایران استخدام نمود، ولی دولت روسیه که همیشه با اصلاحات اقتصادی و لشکری ایران مخالفت می ورزید، در این مورد نیز بموجب اتمام حاجتی، رسماً عزل مستر شوستر و همراهان او را



از ایران خواستار شده، و بالاخره سپاهیان خود را تا قزوین آورده و در تبریز عده ای از ایرانیان میهن پرست بیگناه و معمرین (۴) را کشتند، و با این پیش آمدها، دولت ناگزیر پیشنهاد دولت روسیه را پذیرفت و روسیه بیش از پیش در ایران نفوذ نموده، بمداخله پرداخت.

چندی بعد جنگ بین المللی اروپائیان را سرگرم اوضاع داخلی خود گردانید و اولیای مصلح ایران نیز بیطرفی ایران را اعلام داشتند، و بدینوسیله خود را از هر گونه تجاوزی برکنار نمودند، و بتوسط مأمورین سیاسی خود از دولی که خاک ایران را مورد مهاجمه قرار داده بودند، تقاضا کردند که قوای خود را خاج نمایند، ولی ضعف و ناتوانی ایران باعث شد که وقعی به تقاضای ایران ننهاد و حتی بر قوای خود افزودند. باید متذکر بود که دولت آلمان از چندی باین طرف، با آسیای مرکزی و ایران متوجه شده بود، و از ۱۸۹۹ میلادی یک کشتی تجارتي آلمان در خلیج فارس سیر نموده، و یکی از تجارتخانه های آلمانی را در بغداد و آبادان و بوشهر دائر کرده بودند، بعد از قرارداد ۱۹۰۷ بر فعالیت آلمانها افزوده شد، و واسموس^۱ قنصل جدید آلمان در بوشهر و سایر عمال ایشان، مشغول یک رشته تبلیغات و عملیاتی گردیدند که دولت ایران را بطرف عثمانی و آلمان جلب نموده، و بر ضد روسها و انگلیسها وارد جنگ کنند، گرچه در آن موقع دولت عثمانی رسماً داخل جنگ نشده بود، ولی بطوری که دکتر رایمون فوژن (فورن) در کتاب «تاریخ ایران» خود می نویسد: انور پاشا می خواست عالم اسلام را بنفع آلمان بجنبش در آورد، و این

۱ ویلهلم واسموس (به آلمانی: Wilhelm Wa mu) (زاده ۱۸۸۰ - درگذشته ۱۹۳۱) دیپلمات و جاسوس آلمانی بود. پس از تحصیل در رشته های حقوق و شرق شناسی در سال ۱۹۰۹ با مقام معاون کنسول (کنسول دوم) به بوشهر فرستاده شد و با شروع جنگ جهانی اول در به راه انداختن شورش هایی علیه منافع بریتانیا در جنوب ایران کوشش کرد. او با سران محلی و رؤسای عشایر جنوب ایران از جمله دزفول، شوشتر و بهبهان روابط مؤثری برقرار کرد. عملیات و اقدام های او از پشتیبانی وسیع وزارت خارجه آلمان و قیصر ویلهلم دوم برخوردار بود. بر طبق گزارش های ارسالی از سوی نیروهای نظامی انگلیسی مستقر در جنوب ایران (و نیز پایگاه آنها در عراق) او به همراه رئیس علی دلواری با انگلیسی ها می جنگید.

واسموس پس از پایان جنگ اسیر نیروهای بریتانیا شد و تا ۱۹۲۰ در زندان بود. پس از آن به آلمان بازگشت و سعی کرد از دولت شکست خورده آلمان پولی برای وفا به وعده هایی که به عشایر جنوب ایران داده بود بگیرد، اما موفق نشد. او بر آن شد که خود به جنوب ایران بازگردد و به وعده های خود عمل کند. به این منظور زمینی در اطراف بوشهر خرید تا با کشاورزی درآمدی کسب کند. این کار سرانجامی نداشت و واسموس در سال ۱۹۳۱ فقیرتر از گذشته به آلمان بازگشت و پس از شش ماه درگذشت.

برخی او را به قیاس لورنس عربستان که مأمور انگلیسی بود، «لورنس آلمان» (به انگلیسی: Lawrence of Germany) خوانده اند.

جنبش می بایستی در مصر و تمام آفریقای شمالی و عربستان و فلسطین و شامات و بین النهرین و ایران و افغانستان توسعه یابد، و بالنتیجه ایران و افغانستان بیک سپاه متحد عثمانی و آلمان اجازه بدهند از خاک خودشان به هندوستان حمله نموده، و نیروی انگلیس را از میدانهای نبرد اروپائی، باین طرف بکشاند و دولت آلمان برای انجام مقاصد سیاسی خود یک هیئت نظامی و سیاسی تشکیل داد که از ۱۹۱۴ در خاک عثمانی شروع بعملیات کرد، و واسموس قنسول [آلمان] مقیم بوشهر، قسمتی از این هیئت را در ایران بکار اندخت و بین تنگستانها و دشتستانی ها شروع تبلیغات ضد انگلیسی نمود.

در کرمانشاهان و اصفهان و کرمان، عمال آلمانی با کمال جدیت مشغول کار شدند، و در طهران هم پرنس هانری رویس^۱ وزیر مختار آلمان و کنت کانیست (ژنرال کاونیتس)^۲ آتاشه نظامی^۳ آن دولت، بین دموکراتها و افراد ژاندارمری و مردم تبلیغات شدیدی را آغاز کرد، بطوریکه دکتر رایمون فورن در کتاب خود می نویسد: نیدرمایر عامل دیگر آلمانی خود می دانست که یک کشتی آلمانی موسوم به اکباتان و یک ناو توپدار عثمانی در آبادان است، ب فکر افتادند بنگاه تصفیه نفت آبادان را آتش زده، و لوله های نفت را قطع کند و کشتی اکباتان را در بندرگاه غرق نماید، در این باب از برلن کسب تکلیف کرد، آتش زدن بنگاه تصفیه نفت بوی اجازه داده نشد. انگلیسیها که از قضیه اطلاع پیدا کردند، فوراً آبادان را اشغال نموده و در این مدت بین عمال آلمانی و عثمانی کراراً اختلافاتی پیش آمد، زیرا مقاصد اینها با هم وفق نمی داد، آلمانها می خواستند مستقیماً بر ضد انگلیس حمله کنند، و عثمانیها قصدشان این بود که با اشغال قسمتی از ایران بسیاست روسها ضربت وارد سازند، گفتگو و مشاجره بین طرفین تا ژانویه ۱۹۱۵ طول کشید، هیئت مأمورین آلمان از حلب وارد بغداد شده، تصمیم گرفت بتهنائی و بدون کمک عثمانیها وارد کار شوند.

واسموس بدزفول رفته و در آنجا از طرف انگلیسها شدیداً تعقیب و بالاخره موفق بفرار شد، ولی نیدرمایر بطهران آمد و موفق شد با کمک افسران آلمانی عده ای از ایلات را تجهیز نماید،

۱ وزیر مختار آلمان در تهران در عصر احمد شاه قاجار.

۲ ژنرال کاونیتس Kaunitz وابسته نظامی آلمان در تهران در زمان جنگ جهانی اول.

۳ وابسته نظامی



انگلیسها در وحشت افتاده، بنادر جاسک و چاه بهار و لنگه و عباس و بوشهر را اشغال نمودند، و با دولت روسیه قرار گذاشتند بسرحد افغانستان را بروی آلمان ببندند، و روسها از سرخس تا بیرجند و نیروی انگلیس از بیرجند تا بلوچستان خط نظامی محکمی در سر راه آلمانها کشیدند، اما نیدرمایر با همراهان خود از راه کویر عبور کرده، با مهارت از دولت انگلیس گذشته و در تابستان ۱۹۱۵ خود را بهرات رسانید، و چون ایران ممکن بود بواسطه تجاوزات روسها بداخله کشور، بر ضد آنها داخل جنگ گردد، روسها سراسر جاده بین النهرین و ایران را اشغال کرده، آلمانها و طرفدارانشان را بطرف کرمانشاه راندند، و تا ژانویه ۱۹۱۶ توانستند در این منطقه عملیات آنها را خنثی نموده، و از حمل اسلحه بطرف مشرق ایران جلوگیری بعمل آورند، و در همین اوان بود که انگلیسها تحت ریاست ژنرال سایکس، پلیس جنوب را تشکیل داده و روسها بریگارد قزاق را تحت ریاست ژنرال مایدل تشکیل و چند افسر ارشد و جزء دیگر را بطهران اعزام داشته و خط سرحد افغانستان را باتفاق انگلیسها برقرار نمودند.

دولت آلمان تصمیم داشت از راه عثمانی، با تشبث بقوای نظامی مقاصد خود را انجام دهد، ولی عاقبت موفق نگردید و چون در مارس ۱۹۱۷ قوای ژنرال مُد انگلیسی وارد بغداد شد، و امید استرداد بغداد بوسیله قوای نظامی عثمانی قطع گردید، آلمانها نقشه عملیات خود را تغییر داده، و خط برلن و بادکوبه و بخارا را اختیار کردند، انقلابات روسیه هم نفوذ آلمانها را آسانتر می کرد، انگلیسها برای جلوگیری از این منظور، ژنرال دونسترویل^۱ را مأمور نمودند و او بایران آمده، بواسطه جلوگیری از میرزا کوچک خان جنگلی در زحمت افتاده، و بالاخره خود را به بندر پهلوی^۲ رسانده، و بعدا بواسطه مخالفت رؤسای محلی و پس از ملاقات سران و رؤساء آنجا، از حرکت بطرف بادکوبه منصرف شد، و بقزوین و بعد بهممدان برگشت، و چون قوای روسیه مشغول عقب نشینی بودند، بیم آن می رفت که بوسیله قوای عثمانی و آلمانی شکافی ایجاد گردد (در جبهه ایران)، انگلیسها قرار گذاشتند قوای روس با جنگلی ها بجنگ

۱ سرلشکر لیونل چارلز دانسترویل Lionel Charles Dunsterville (۹ نوامبر ۱۸۶۵-۱۸ مارس ۱۹۴۶) یک ژنرال بریتانیایی و فرمانده نیروی دانستر (Dunsterforce) بود. او این نیروی زبده نظامی بریتانیایی را در سراسر عراق و ایران به سمت قفقاز رهبری کرد و از طریق بندر انزلی به سوی باکو رفت تا از چاه‌های نفت قفقاز در مقابل ارتش امپراتوری عثمانی حفاظت نماید.

۲ بندر انزلی کنونی

پردازد، باین طریق دولت روس جنگلی‌ها را شکست داده، و رشت را بتصرف انگلیسها دادند و حکومت نظامی انگلیس در آنجا برقرار گردید، و بعدا پهلوی نیز بتصرف آنها در آمد، و قراردادی با میرزا کوچک خان بسته، اسرا را رد و بدل کردند، و چون در بادکوبه کودتایی شده بود و از انگلیس استمداد خواسته بودند، ژنرال دونسترویل مأموریت آنجا را داشت، سرپرستی قوای انگلیس در ایران بعهده ژنرال شامپیون واگذار گردید، و قوای نظامی انگلیس تا پایان سال ۱۹۲۰ در ایران باقی بودند.

باین ترتیب مشاهده می شود مدت ده سال، کشور ایران مورد حمله و تهاجم روس و انگلیس و عثمانی و آلمان قرار گرفت و بالاخره در هنگام قرارداد صلح بین الملل، نمایندگان ایران در کنفرانس پاریس تقاضای خسارت نموده و جواب رد بایشان دادند، عاقبت در اوت ۱۹۱۹ قرارداد ننگین دیگری بین ایران و انگلیس امضا گردید، که بکلی استقلال و حیثیت ایران و ایرانیان را از بین برد، و حتی خارجیان را هم که طالب استقلال ایران بودند، دچار باس گردانید. اما انقلاب ۱۹۱۷ روسیه و بروز نهضت استقلال طلبی در ایران، و تشکیلات جدید ارتش، ایران را باستقلال نائل گردانید و مخصوصا چون تشکیلات قدیم روسیه از هم پاشیده و انقلابیون خود را حامی و طرفدار آزادی و استقلال سایر ملل می دانستند، تمام قراردادهای و امتیازات دولت تزاری را با ایران لغو کردند، و از مطالبات قدیم دولت روسیه صرفنظر کردند، و در مقابل بموجب قراردادی دولت ایران نیز دولت و تشکیلات جدید روسیه، یعنی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را برسمیت شناخت و بنابراین از زیر بار قرارداد های سنگین روسیه رهائی یافته، و توانست با آزادی، تشکیلات نوین را آغاز نماید، و همین امر باعث شد که بعدها قوای نظامی انگلیس را از ایران خارج کرده، تا اندازه ای در کارها مستقل گردید.

از ابتدای صلح جهان ببعده، که تمام دول روی زمین طالب صلح گردیده و برای ایجاد و استقرار امنیت جهان با یکدیگر تشریک مساعی نموده، و تمام هم خود را برای ارتباط با یکدیگر بکار می بردند، برای اینکار دول بزرگ و کوچک روی زمین، قراردادهای دوستانه و اتحاد با یکدیگر را امضا می کردند، دولت ایران نیز بوسیله مأمورین سیاسی و سفراء و وزراء مختار و نمایندگان خود، قراردادهای پستی و تلگرافی و تلفونی و بازرگانی و هواپیمائی و



کشتیرانی و عدم تعرض و دوستی و فرهنگی و غیره را با دول روی زمین، بخصوص روسیه و انگلیس و عراق و افغانستان و ترکیه امضا و بتصویب مجلس شورای ملی رسانیده، و ارتباط خود را از هر حیث با سایر دول برقرار نمود. اینک مختصری از قراردادها را متذکر می‌گردیم. پس از رهائی از حکومت تزاری و راندن انگلیسها از ایران، برای ایجاد روابط دوستانه و برقراری صلح و ارتباطهای دیگر، عضویت دولت ایران در جامعه ملل در ۹ جدی ۱۳۰۰ بتصویب مجلس شورای ملی رسیده، و بعد بترتیب در صدد عقد قراردادهائی با دول اروپائی برآمد.

قراردادهای ایران با دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

- ۱- در ۲۳ قوس ۱۳۰۰ شمسی عهدنامه مودت بین ایران و جمهوری شوروی تحت ۲۶ فصل بتصویب مجلس شورای ملی رسید.
- ۲- مقاله نامه تلگرافی بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی برقرار و در ۷ دلو ۱۳۰۳ تحت ۱۲ ماده تصویب گردید و باین طریق روابط تلگرافی بین ایران و روسیه طبق ماده ۲۱ پیمان نامه که در ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ در مسکو منعقد شده بود، برقرار گردید،
- ۳- در ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ مقاله نامه پستی نیز بین دولتین منعقد و در ۱۴ دلو ۱۳۰۳ طی ۱۳ ماده تصویب گردید،
- ۴- عهدنامه تأمینیه و بیطرفی بین ایران و شوروی منعقد و در ۲۷ مهرماه ۱۳۰۶ طی یک ماده و یک فصل تصویب گردید،
- ۵- در ۸ مهرماه ۱۳۰۶ نمایندگان دولتین، قرارداد گمرکی بین دو کشور را مبادله و در ۳۰ مهر ماه همین سال تصویب گردید،
- ۶- در ۸ مهرماه ۱۳۰۶ قرارداد شیلات توسط نمایندگان دولتین منعقد و در ۳۰ مهرماه همان سال تصویب گردید،

۱ جامعه ملل یا مجمع اتفاق ملل League of Nations، سازمانی میان دولتی بود که در دهم ژانویه ۱۹۲۰ در پی کنفرانس صلح پاریس (که رسماً به جنگ جهانی اول پایان داد) تأسیس شد. بعد از جنگ جهانی دوم سازمان ملل متحد تأسیس و جایگزین جامعه ملل شد. اهداف این سازمان، چنانکه در میثاق آن آمده است، جلوگیری از وقوع جنگ از طریق امنیت دسته‌جمعی، خلع سلاح، و حل اختلاف‌های بین‌المللی از راه مذاکره و حکمیت بود. ۴۲ کشور عضو مؤسس جامعه ملل بودند و حداکثر تعداد اعضای آن (از ۲۸ سپتامبر ۱۹۳۴ تا ۲۳ فوریه ۱۹۳۵) به ۵۸ کشور می‌رسید.

- ۷- در ۱۰ خرداد ۱۳۰۷ قرارداد عبور و مرور سکنه قراء سرحدی ایران و شوروی طی ۱۶ ماده و یک ضمیمه بین دولتین امضاء و در ۱۶ دیماه همین سال تصویب شد،
- ۸- مقاله امانات پستی بین ایران و شوروی منعقد و در ۱۱ مهرماه ۱۳۰۸ حاوی ۲۵ ماده و پرتکل ضمیمه تصویب گردید،
- ۹- قرارداد اقامت و تجارت و بحریمائی بین ایران و شوروی در ۱۰ اسفند ۱۳۱۰ طی بیست ماده و پروتکل (کذا) تصویب شده است.

روابط بین المللی ایران

- ۱- دولت ایران اصلاحات اصلیه قرارداد پستی بین المللی مادرید را که در آن ذینفع بوده و در کنگره مادرید ۱۹۲۰ توسط نمایندگان دولت امضا گردیده بود، در تاریخ سوم سرطان ۱۳۰۱ بتصویب مجلس شورای ملی رساندند،
- ۲- در ۱۱ مهر ماه ۱۳۰۷ دولت ایران توسط نماینده دول متحده و آمریکا در تهران، در عهدنامه تحریم جنگ مورخه ۲۷ اوت ۱۹۲۷ منعقد پاریس، شرکت نموده و ۲۷ فروردین ۱۳۰۸ تصویب شد،
- ۳- دولت ایران الحاق خود را به پرتکل ژنو، مربوط به منع استعمال گازهای سمی و مواد میکروبی که در ۱۷ ژون ۱۹۲۵ مطابق، با ۲۵ خرداد ۱۳۰۴ امضا شده بود، اعلام و در ۹ تیرماه ۱۳۰۸ تصویب شد،
- ۴- دولت ایران در کنفرانس تلگرافی ۱۹۲۸ منعقد در بروکسل مشارکت نموده و در ۱۶ آبانماه ۱۳۰۸ تصویب گردید،
- ۵- قانون اجازه مشارکت دولت ایران در مقررات کنفرانس تلگرافی بی سیم ۱۹۲۷ منعقد در واشنگتن، در ۱۶ آبانماه ۱۳۰۸ در مجلس تصویب شد،
- ۶- در تاریخ ۲۸ ژون ۱۹۲۱ کنگره پستی در لندن منعقد گردید و دولت ایران نیز بموجب قانونی که تیر ۱۳۰۹ از مجلس گذرانید، موافقت خود را اعلام داشت،
- ۷- دولت در اساسنامه دیوان دائمی بین المللی و پرتکل های مربوط به آن و اجازه تسلیم اسناد مصدقه آنها بدار الانشاء جامعه ملل، که در ۲۴ قوس ۱۲۹۹ مشتمل بر ۲۴ ماده و



همچنین پرتکل تجدید نظر در موادی که در ۲۳ شهریور ۱۳۰۸ در ژنو به امضا رسیده و بعلاوه پرتکل الحاقی دول متحده آمریکای شمالی و پرتکل امضا اساسنامه دیوان داوری بین المللی، که عبارت از ۸ ماده می باشد و در ۲۳ شهریور ۱۳۰۸ در ژنو امضا شده بود، در تاریخ ۱۹ مرداد ۱۳۰۹ بتصویب مجلس رسانید،

۸- دولت ایران در قرارداد بین المللی تسهیل مراسم گمرکی، منعقد در ژنو مورخه ۳ نوامبر ۱۹۰۳ مطابق با ۲۵ خرداد ۱۳۰۳ [صحیح: ۱۲۸۲] که مشتمل بر سی ماده و یک پرتکل اضافی می باشد، در ۴ شهریور ۱۳۰۹ بتصویب مجلس رسانید،

۹- دولت ایران در قرارداد بارسلن و اساسنامه آزادی عبور که در اول ثور ۱۲۹۹ به امضاء رسیده بود، در تاریخ اول مهر ماه ۱۳۰۹ شرکت نموده و اجازه داده شد که نسخ ضمیمه شده آن بدار الانشاء جامعه ملل تسلیم گردد،

۱۰- در قرارداد بین المللی برای جلوگیری از اشاعه و معامله نشریات مستهجن که ۲۰ سنبله ۱۳۰۲ در ژنو امضا شده بود، در تاریخ ۴ آبان ماه ۱۳۰۹ شرکت نمود،

۱۱- دولت در قراردادهای بین المللی پاریس و ژنو، راجع به جلوگیری از رفتار جنایت آمیز نسبت به زنان و کودکان، در مجلس شورای ملی مطرح و بدین وسیله الحاق قطعی دولت ایران را به مقوله نامه بین المللی ۱۸ مه ۱۹۰۴ مطابق ۱۷ اردیبهشت ۱۲۸۳ مشتمل بر نه ماده، و در پاریس برای جلوگیری از رفتار خلاف اخلاق و جنایت آمیز نسبت به زنان و کودکان به امضا رسیده و همچنین قرارداد بین المللی پاریس که در تاریخ ۱۲ اردیبهشت ۱۲۸۹ شمسی، مطابق ۴ مه ۱۹۱۰ راجع به همان مقصود که در پاریس امضا شده است، مجلس به دولت ایران اجازه می دهد. همچنین قرارداد بین المللی الغاء خرید و فروش زنان و کودکان، مشتمل بر ۱۴ ماده را که در تاریخ ۷ مهر ماه ۱۳۰۰ در ژنو به امضا رسیده بود، در مجلس در ۱۴ دیماه ۱۳۱۰ تصویب شد،

۱۲- قانون اجازه الحاق دولت ایران به قرارداد بین المللی امداد و اساسنامه اتحاد بین المللی امداد، که در ۲۰ سرطان ۱۳۰۶ در ژنو امضا شده بود، در ۱۴ تیرماه ۱۳۱۱ در مجلس تصویب شد،

۱۳- قانون اجازه الحاق ایران به قرارداد تعاون مالی، که در ۱۰ مهرماه ۱۳۰۹ در ژنو امضا شده بود، در ۱۴ تیرماه ۱۳۱۱ تصویب شد،

۱۴- قانون اجازه الحاق دولت ایران به مقررات قرارداد بین المللی راجع به تحدید و ساخت و تنظیم و توزیع ادویه مخدره، که در ۲۱ تیرماه ۱۳۱۰ در ژنو امضا شده بود، در ۱۴ تیرماه ۱۳۱۱ تصویب شد،

۱۵- قانون اجازه الحاق دولت ایران به قرارداد بین المللی منع استعمال گوگرد سفید در ساخت کبریت، در ۹ میزان ۱۲۸۵ در برن امضا شده در ۱۳ دی ماه ۱۳۱۰ تصویب شد،

۱۶- قانون اجازه الحاق ایران به قرارداد بین المللی اتومبیل رانی، که در ۲۴ آوریل ۱۹۲۶ در پاریس امضا شده بود، در ۳ دی ماه ۱۳۱۳ تصویب شد،

۱۷- قانون اجازه الحاق دولت ایران به قرارداد بین المللی راجع به جلوگیری از معامله و اغوای نسوان کبیر، که در اکتبر ۱۹۳۳ در ژنو امضا شده بود، در ۲۰ دی ماه ۱۳۱۳ تصویب شد،

۱۸- قانون اجازه الحاق ایران به قرارداد تسهیل جریان بین المللی فیلم های تربیتی، که در ۱۵ اکتبر ۱۹۲۳ منعقد شده بود، در ۲۰ دی ماه ۱۳۱۳ تصویب شد،

۱۹- قانون اجازه الحاق ایران راجع به مقررات و عملیات زیردریایی ها در موقع جنگ، که در صورت مجلسی که در ۱۵ آبان ماه ۱۳۱۵ در لندن به امضا رسیده بود، در ۱۱ دی ماه ۱۳۱۷ تصویب شد.

عهدنامه های ایران با دولت ترکیه

۱- قانون اجازه مبادله عهدنامه ودادیه و تامینیه منعقد بین ایران و ترکیه که در تاریخ اول اردیبهشت ۱۳۰۵ امضا شده بود، در ۵ خرداد ۱۳۰۵ تصویب گردید،

۲- قرارداد سرحدی ایران و ترکیه در سوم بهمن ۱۳۱۰ امضاء و در ۵ خرداد ۱۳۱۱ تصویب گردید،

۳- عهدنامه حکمیت و اصلاح و تسویه قضایی اختلافات بین ایران و ترکیه، در دوم بهمن ۱۳۱۰ و عهدنامه های دیگر نیز در ۱۴ آبانماه ۱۳۱۱ بین دولتین امضا شد،

۴- قرارداد مرزی ایران و ترکیه و ده فقره دیگر قرارداد ها و عهدنامه ها و موافقت نامه های منعقد بین ایران و ترکیه، در ۱۵ خرداد ۱۳۱۶ تصویب شد، همچنین قرارداد تعاون قضایی در

مقابل مسائل حقوقی و تجارتي و موافقت نامه دائر کردن خطوط تلگرافی و تلفونی بین دولتين امضا شد.

عهدنامه سعدآباد

تصویب پیمان سعدآباد در ۲۵ اسفند ۱۳۱۶ بعمل آمد، و باین ترتیب عهدنامه عدم تعرض بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت پادشاهی افغانستان و دولت جمهوری ترکیه و دولت پادشاهی عراق را که مشتمل بر ده ماده است، در تاریخ ۱۷ تیرماه ۱۳۱۶ مطابق ۲ ژوئیه ۱۹۳۷ در قصر سعدآباد امضا شد:

عهدنامه عدم تعرض: اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران، اعلیحضرت پادشاه افغانستان، اعلیحضرت ملک عراق، حضرت رئیس جمهوری ترکیه؛ نظر به تمایلی که در فراهم ساختن موجبات حفظ روابط و دادیه و حسن تفاهم بین خود با تمام وسائل موجوده خود دارند و برای تامین و استقرار صلح و امنیت در شرق نزدیک، به وسیله تضمینات تکمیل در حدود میثاق جامعه ملل و برای کمک به صلح عمومی و برای ایفاء وظایفی که به موجب عهدنامه تحریم جنگ، مورخه ۲۷ اوت ۱۹۲۸ پاریس و عهود دیگر که در آنها شرکت نموده اند، متقبل شده اند و تماما با میثاق جامعه ملل و عهدنامه تحریم جنگ موافقت دارد، تصمیم نمودند این عهدنامه را منعقد نمایند و برای این منظور نمایندگان مختار خود را تعیین نمودند، و مشارالیه بعد از ارائه اختیارنامه های خود که به طور منظم ترتیب شده بود، در مقررات عهدنامه موافقت حاصل نمودند.

ماده ۳- قرار شد که اختلافات بین المللی را با موافقت یکدیگر حل نمایند و در ماده ۴ قرار شد که خود یا بمعیت یک و چند دولت دیگر بهیچ گونه عملیات متجاوزانه بر علیه یکدیگر مبادرت ننمایند و به این طریق:

۱- اعلان جنگ ۲- تهاجم بوسیله قوای مسلح یک مملکت، حتی بدون اعلان جنگ به خاک مملکت دیگر ۳- حمله به وسیله قوای بری و بحری یا هوایی، حتی بدون اعلان جنگ بخاک یا بسفاین یا به هواپیماهای مملکت دیگر ۴- کمک یا همراهی مستقیم و یا غیر مستقیم به متجاوز.



قرارداد با دولت افغانستان

عهدنامه و دادیه و تامینیه بین دولتین در ۹ آذر ۱۳۰۶ و عهدنامه مودت در تاریخ ۲۷ تیرماه ۱۳۱۷ و موافقت نامه راجع به ایجاد روابط پستی مستقیم بین دو دولت، در ۲۹ تیرماه ۱۳۱۷ و قرارداد استفاده از آب رود هیرمند در ۶ بهمن ۱۳۱۷ و قرارداد تلگرافی باسیم و بی سیم در ۲۷ دیماه ۱۳۱۷ امضا گردید. دولت ایران با دول دیگر مانند انگلیس، اتازونی، آلمان، عراق، لهستان، سوئد، سویس، فرانسه، دانمارک، اطریش، مجارستان، چکواسلوواکی، فنلاند، ایتالیا، بلژیک، چین، ژاپن، هلند و غیره عهدنامه مودت و اقامت و بحریمایی و پست و تلگرافی و غیره منعقد ساخته و باین طریق وسائل ارتباط خود را با دول مزبور مهیا گردانید، از جمله قرارداد اقامت و تجارتی و گمرکی و بحریمایی بین ایران و آلمان است که در ۲۸ بهمن ۱۳۰۷ و قرارداد حمایت تصدیق نامه های اختراع و علائم صنعتی و تجارتی و غیره است که در ۱۵ اسفند ۱۳۰۸ دولتین ایران و آلمان امضا نمودند.

علوم قدیمه بعد از مشروطیت در ایران

بعد از تاسیس مدارس جدید و اصلاح امور تعلیم و تربیت، مدارس قدیم ایران نیز از وضع اولیه خود تغییر نموده و علوم قدیمه در مدارس جدید به طرز دیگری تدریس می شد و این رویه مخصوصا بعد از مشروطیت بمرور از بین رفته و تعلیم علوم قدیمه منحصر بود به کتابهای ابتدائی شرعیات و نصاب و سیاق و صرف و نحو عربی و غیره. ولی سایر علوم در بعضی مدارس قدیمه در طهران و اصفهان و خراسان و شیراز و قم به توسط علما و مجتهدین تدریس [می] گردید و طلاب علوم دینی به سبک قدیم در مجالس مباحث و درس حاضر می شدند و آنهایی که اشتیاق به علوم قدیمه داشتند، پس از اتمام دوره های تحصیلات، برای ادامه آن به کربلا و نجف مسافرت نموده و بدین ترتیب به درجه اجتهاد رسیده، پس از مراجعت به ایران در زمره روحانیون، وارد کارهای مربوط به امور دینی و غیره می گردیدند.

در طهران که یکی از مراکز تعلیم علوم قدیمه محسوب بود، مخصوصا در مدرسه ناصری (سپهسالار) و مروی و غیره انجام می گرفت، یکی از مدرسین مدرسه ناصری آقا سید حسن



مدرس^۱ متولی مدرسه مزبور، در صدد ترتیب و تنظیم آن مدرسه برآمد و مخصوصاً اصلاح و انتظام تحصیلات مدارس قدیم را اهمیت داده و جلساتی مرکب از ارباب فن مانند آقای حاجی سید نصراله اخوی^۲، آقای میرزا محمد رضای ابروانی^۳ مدرس علوم منقوله، آقای حکیم اعظم^۴ معلم طب، آقای میرزا غلامحسین خان رهنما^۵ معلم ریاضیات، و شیخ محمد لواسانی^۶ مدرس مدرسه ناصری و آقای میرزا عبدالعظیم خان^۷ برای تهیه برنامه دروس

۱ آیت الله شهید سید حسن مدرس (۱۲۴۹-۱۳۱۶ ش)

۲ سید نصرالله اخوی (تولد سال ۱۲۸۸ قمری تهران - وفات ۱۳۶۷ قمری تهران) از فعالان جنبش مشروطه ایران، نماینده مجلس شورای ملی، عضو هیئت تدوین متمم قانون اساسی مشروطه، دادستان کل کشور و نویسنده قسمت اصلی قانون مدنی ایران بود. وی از شاگردان میرزای جلوه و میرزا حسن آشتیانی در علوم معقول و منقول در تهران و میرزای شیرازی و سید محمد فشارکی در فقه و اصول در نجف اشرف و سامراء بود.

۳ محمد رضا ابروانی (۱۲۶۵/۱۲۵۵ ش ابروان - ۱۳۱۹ ش تهران)، مجتهد، حقوقدان و مستشاری دیوان عالی قضایی در دوره پهلوی اول بود. وی از تحصیل کردگان و فارغ التحصیلان علمی حوزه نجف بود که پس از ۲۴ سال تحصیل و تدریس در سال ۱۲۹۸ ش به تهران آمد و ریاست اداره اوقاف را بدست آورد، سپس در سال ۱۳۰۶ ش به بعد در محاکم رسمی دادگستری نوین به قضاوت شرعی پرداخت. وی همچنین در تهیه قانون مدنی ایران، فعالیت چشمگیری داشت.

۴ دکتر علیخان پرتو (زاده ۱۲۵۶ در اصفهان - درگذشته ۱۳۱۷ ش در تهران) ملقب به «حکیم اعظم» از مدرسین میرز پزشکی در دار الفنون تهران.

۵ غلامحسین رهنما (زاده ۱۲۶۱ خورشیدی شیراز - درگذشته ۱۲ اردیبهشت ۱۳۲۵) استاد ریاضی و نجوم و سیاستمدار ایرانی. تحصیلات ابتدایی و مقدماتی را در شیراز فراگرفت و به مدرسه دارالفنون تهران وارد شد. پس از اتمام دارالفنون، مدت‌ها نزد عبدالغفار نجم‌الدوله معلومات خود را در رشته ریاضی و نجوم تکمیل کرد و به معلمی ریاضیات در دارالمعلمین برگزیده شد و سالیان دراز در آنجا تدریس می‌کرد. در سال ۱۳۰۵ خورشیدی مجمع نجومی آکادمی علوم فرانسه او را به عضویت دائمی پذیرفت. در سال ۱۳۱۳ موفق به اخذ درجه دکترا از شورای عالی دانشگاه تهران شد و حدود چهل و پنج سال در مدارس عالی و دانشگاه تهران به تدریس علوم ریاضی و هیئت اشتغال داشت.

۶ سید محمد عصار لواسانی تهرانی از دانشمندان بزرگ معاصر است. در سال ۱۲۶۴ ق (یا ۱۲۶۶ ق) در تهران متولد شد. رای تحصیل به نجف رفت و پس از پانزده سال تحصیل و اقامت در عراق، سال ۱۳۰۶ ق به تهران برگشت و مدت دوازده سال در حوزه علمیه تهران به افاضه علمی مشغول شد. عصار در تهران سختی بسیار دید و عاقبت در سال ۱۳۴۰ ق / ۱۳۰۱ ش از تهران به مشهد هجرت کرد و تا پایان عمر در حوزه علمیه مشهد به تدریس سطوح فقه و اصول و نیز حکمت و فلسفه اسلامی، مخصوصاً منظومه حاج ملا هادی سبزواری مشغول شد. وی پدر سید محمدکاظم عصار فیلسوف و استاد دانشگاه تهران بود.

۷ عبدالعظیم قریب گرکانی (زاده ۱۲۵۸ روستای گرکان - درگذشت ۳ فروردین ۱۳۴۴)، ادیب معاصر ایرانی و بنیان‌گذار دستور زبان فارسی نوین بود. مقدمات زبان فارسی و عربی را در زادگاه خود آموخت. در نوجوانی در سال ۱۳۱۱ ه.ق به تهران آمد و نزد استادان بزرگ آن روزگار به تحصیل و فراگیری زبان و ادبیات عرب، علم اصول، هیئت و نجوم پرداخت. منطق و حکمت را در مدرسه سپهسالار جدید نزد میرزا طاهر تنکابنی و زبان فرانسوی را در مدرسه دارالفنون فراگرفت. عبدالعظیم قریب در زبان و ادبیات فارسی و عربی تسلط بی‌مانندی داشت و حدود ۵۸ سال از عمرش را با عشق و علاقه صرف تدریس دستور زبان فارسی و تعلیم و تربیت فرهیختگان ایران کرد.

محصّلین مدرسه مزبور تشکیل داده و در نتیجه برنامه تهیه شد، و تقریباً این امر اولین قدمی برای احیا مدارس قدیم در ایران، و برای متحد الشکل شدن در این مدارس محسوب می‌گردید.

بعدها در ۳۰ خرداد ۱۳۱۳ اساسنامه دانشکده علوم معقول و منقول در شورای دانشگاه تصویب و بموقع اجرا گذارده شد و بموجب آن دوره تحصیلات دانشکده علوم معقول و منقول، شامل یک دوره مقدماتی و یک دوره عالی گردید که دروه مقدماتی آن سه سال و دروه عالی به سه شعبه تقسیم می‌شد، شعبه عالی منقول و شعبه عالی معقول و شعبه علوم ادبیه و مدت تحصیل در هر یک از این سه شعبه شش سال شد، و شرط ورود بتحصیلات مقدماتی، گواهینامه دوره اول متوسطه و ورود به تحصیلات عالیّه داشتن تصدیق نامه مقدماتی و کسانیکه از عهده امتحانات مقدماتی برآیند، بدرجه مدرسی (لیسانس) و کسانی به دریافت گواهی نامه عالی نائل می‌شدند، بدرجه فقیه، حکیم و ادیب که مطابق است با دکترا، نائل می‌گردیدند، و مزایای نیز برای آنان قائل گردیدند و در ۱۵ تیرماه ۱۳۱۶ شورای دانشگاه تصویب نمود که کسانی که دارای تصدیق نامه این مدرسه هستند، تحت شرایطی معین می‌توانند از مزایای معلمی استفاده نمایند و باین ترتیب تسهیلی در امور تحصیلات علومه قدیمه قائل گردیده اند و حتی شورای دانشگاه دریافت کمک هزینه محصلین این مدرسه را نیز تصویب کرد، و باید دانست که این تشکیلات طولی نکشید و در دو سال قبل در زمان وزارت آقای مرآت^۱ بنیان آن از هم پاشیده شد و منحل گردید و مدارس قدیمه در نقاط دیگر کشور نیز به همان سبک قدیمه، البته به وضع خیلی بدی دایر بود ولی در قم و خراسان که مرکز طلاب و زیارتگاه مسلمین است، بیشتر و بهتر صورت می‌گرفته و هم اکنون دائر می‌باشد.

۱ اسماعیل مرآت (۱۷ اسفند ۱۲۷۱ تهران - ۲۷ آذر ۱۳۲۸ واشینگتن) وزیر فرهنگ ایران در دوره رضاشاه و از پایه‌گذاران آموزش عالی نوین در ایران بود.

ساختمان‌های دانشکده حقوق و دانشکده فنی و باشگاه دانشجویان و رستوران دانشجویان دانشگاه تهران از یادگارهای مرآت است. دانشکده هنرهای زیبا را نیز او تأسیس کرد. در سال ۱۳۱۹ قانون اصلاح دانشگاه را در مورد دانشکده پزشکی از تصویب مجلس شورای ملی گذراند که بیمارستان‌های دولتی تهران را ضمیمه و تابع دانشکده پزشکی کرد و کارآموزی دانشجویان پزشکی در بیمارستان‌ها آسان‌تر شد. به پاس این خدمات‌ها در سال ۱۳۳۵ با تجلیل از اقدامات مؤثر اسماعیل مرآت در پیشرفت دانشگاه، یکی از خیابان‌های دانشگاه به نام او نام‌گذاری شد.

علل عقب ماندن ایران از تمدن جدید

- ۱- عدم ارتباط ایران با اروپا،
- ۲- آشنا نبودن بصنایع و کارخانجات و استخراج معادن،
- ۳- نداشتن کشتی و وسائل کشتی رانی،
- ۴- وجود پادشاهان خودخواه و مستبد،
- ۵- عدم بصیرت و اطلاع وزرا و اولیای امور کشور،
- ۶- از همه مهمتر حملات جابرا نه اقوام مجاور به ایران و از بین بردن افراد لایق و کارآزموده،
- ۷- جهل و نادانی افراد و توده کشور و اشاعه معتقدات موهوم،
- ۸- اعمال نفوذ اجانب در کارها و کوتاه کردن دستهای زبردست از امور مهم کشور،
- ۹- عدم امنیت و آزادی عمل در سراسر کشور،
- ۱۰- وجود اشرار و اطاعت نکردن از اولیای امور،
- ۱۱- موجود نبودن مدارس و بنگاه های تربیتی کاخ (کذا) در کشور،
- ۱۲- فقر اقتصادی و عدم اطلاع کارگران حرّف و صنایع و برزگران،
- ۱۳- موجود نبودن وسایل دفاعی و ارتش قوی،
- ۱۴- حکومت سلسله های مختلف و عدم استحکام قدرت حکومت،
- ۱۵- موجود نبودن زبان و عقیده و افکار واحد در ایران،
- ۱۶- موجود نبودن روزنامه و چاپ و عدم اطلاع از اخبار جهان،
- ۱۷- موجود نبودن احزاب سیاسی و لیدرهای فهمیده در کشور.

